

همتی: بازار ارز به سمت ثبات در حرکت است

رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به کاهش نرخ ارز در هفته‌های گذشته گفت: به تدریج به سمت ثبات در قیمت این بازار حرکت می‌کنیم. عبدالناصر همتی دیروز در حاشیه نشست با کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: در این جلسه شرایط بازار ارز و آثار کاهش نرخ آن در اقتصاد و ارزش پول ملی مورد توجه

قرار گرفت.وی با بیان اینکه اوضاع سیاسی و انتظارات جامعه از اقتصاد کشور در تعیین نرخ ارز تأثیرگذار است، خاطر نشان کرد: تحریم های طلافانه آمریکا بر تجارت خارجی و مبادی ورود ارز به کشور تأثیری نداشته است اما دولت با برنامه‌هایی که در دسترس ایران دارد، اوضاع را مدیریت خواهد کرد.

رئیس کل بانک مرکزی با بیان اینکه تأثیر به کار گرفته شده

رزم حسینی:وزارت صنعت خود را مسئول معیشت مردم می‌داند

از این طریق پیمان‌بهری ارزی محقق شده و رفع تعهد هم انجام خواهد شد که گامی خردمندانه برای حمایت از صادرات، گشایش مسیر برای توسعه صادرات و افزایش تولید در کشور محسوب می‌شود تا تأمین مواد اولیه تولید با این روش تسهیل شود. رزم حسینی گفت: در این شیوه‌نامه پیش‌بینی شده که مباحث تعهدات ارزی اقلام کالای گروه‌های ۳ و ۴ همانند گذشته با بانک مرکزی بوده و تخصیص از هم از این مسیر انجام شود.وزیر صنعت افزود: درخصوص ارز اشخاص هم فردی که عدم نیاز به ارز داخل کشور را اعلام کرد و همچنین افرادی که واردات را به منظور صادرات مجدد انجام می‌دهند یا همین فرایند امکان‌پذیر است. وی تأکیدکرد: اکنون باید دست به دست هم بدهیم تا بتوانیم مسیر توسعه صادرات را هموار کنیم. همچنین ضرورت دارد زمینه‌های لازم با همکاری وزارت امور خارجه برای تسهیل شرایط افزایش مبادلات تجاری با کشورهای همسایه فراهم شود. وزیر صنعت اظهارداشت: در این شیوه‌نامه بخشی که مربوط به کالاهای اساسی و نیازمند ارز ترجیحی است باید از طریق بانک مرکزی تأمین شود و بخشی که نیازمند ارز نیامی است، افراد می‌توانند در صف ثابت ارز باشند. وی گفت: افرادی که از متقاضی در اختیار دارند، از طریق نهادی می‌توانند قطعات و مواد اولیه بخش تولید را تأمین کنند و از این طریق می‌توان جلوی رسوب کالاهای در گمرک‌ات را گرفت.

بهره برداری از مرکز مدیریت بحران مخاطرات جوی کشور

کشور در این سالهاست، وزیر راه و شهرسازی گفت: آنچه مهم این است که شاید برای نخستین بار، این اطلاعات‌ها به اظهارها و هشتادسهارا با ادبیات درست و مناسب اطلاع رسانی می‌شود. وی با اشاره به تلاش دولت برای نوسازی و تقویت هوشناسی



با وجود همهٔ ننگ‌های مالی و اقتصادی کشور در سال‌های اخیر افزود:روند نوسازی و پوست اندازی هوشناسی کشور و تبدیل آن به سازمانی هوشمند و برخط و دقیق را با استفاده از ظرفیت‌های هوشناسی ادامه می‌دهیم. اسلامی با اشاره به خرابی‌های حوادث سال‌های اخیر و تلاش برای بازسازی این خرابی‌ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن گفت: در یکی دو سال اخیر نخستین بار از حادثهٔ سیل بهار سال گذشته بازسازی این خرابی‌ها در مدت یک سال انجام شد و مردم بلافاصله با مشارکت خود و نهادهای

تمامی خدمات صنعت برق از اول دی غیر حضوری خواهد شد

معاون توزیع نیروی برق شرکت توانیر از انجام غیر حضوری تمامی خدمات صنعت برق از اول دی خبر داد. غلامرضا خشنانی مهر در گفتگو با خبرگزاری صداوسیما با بیان اینکه پیرساخت ارائه خدمات غیر حضوری شرکت‌های توزیع به مشترکان و متقاضیان برق حاضر شده است، افزود: ۹۵ خدمت در بخش توزیع به مشترکان ارائه می‌شود که از پایان آذر حداقل ۹۵ درصد خدمات به صورت غیر حضوری ارائه می‌شود.

وی با بیان اینکه همه خدمات شرکت‌های توزیع شامل خدمات فروش و بازرشی است، گفت: خدمات فروش شامل خرید اشتراک جدید برق است که ضرورت ندارد به شرکت‌های توزیع مراجعه کنند، خدمات پس از فروش، خدمات مشاوره حساب اعم از بدین قبض برق، سلبیق پرداخت سالانه ۱۳۸۰ به بعد، سلباق مصرف، پیاخت، بانک‌هایی که می‌توانند پرداخت کنند، خوانظاری میزان مصرف برق و بسیاری از مسایل مربوط به صورت حساب، بصورت غیر حضوری قابل انجام است.

معاون توزیع نیروی برق شرکت توانیر ادامه داد: مساله مهم بعدی، خاموشی‌های احتمالی است که اگر گری خانه کشک قطع شود، گاهای پیش آمده که مدت‌هاست با صف یاخسنگوبی تالغن ۱۲۱ بماندن که دیگر ضرورتی به انجام آن کار نیست. تالغن ۱۲۱ بدون اپراتور ششده و مردم می‌توانند این خدمات را دریافت کنند.

وی با اشاره به ششروع به کار سامانه برق ایران به اسم "برق من" و ارائه همه خدمات بدون محدودیتی مکانی و زمانی در این سامانه، افزود: در حال حاضر مشترکان برق برای فروش اشعاب از ۱۵ تا ۳۰ روز معتبل می‌شوند که با اجرای این طرح، این مدت زمان حذف می‌شود و همکاران ما در یک فضای رقابتی خدمات را به طور یکسان در همه کشور ارائه خواهند داد.

رخشنانی مهر اضافه کرد: اجرای این طرح شرایطی بسیار شفاف و یک اتانک ششده‌ای برای ارائه خدمات بوجود آورده به طوری که عملا همه شرکت‌های فعال شده اند خوانشان را سسکونر کنند و خدمات را به صورت یکسان به مردم ارائه بدهند. وی گفت: سالانه میلیون‌ها مراجعه‌کننده ضروری به شرکت‌های توزیع انجام می‌شود که با اجرای این طرح این خدمات غیر حضوری خواهد شد. به طور مثال ما سالانه حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار مشترک جدید را جذب می‌کنیم به طوری که هر کدام از این مشترکان جدید لازم بود چندین بار برای دریافت خدمات به برای پیگیری کارهایشان به شرکت‌های توزیع مراجعه کنند که دیگر ضرورت ندارد. مشترکان می‌توانند وارد سامانه برق ایران شده و درخواست شان را ثبت کنند و پس از دریافت کد رهگیری می‌توانند در بخش پییاهار و رهگیری کارشان را پیگیری کنند و همکاران ما مکلف و موظف به پیگیری و پاسخگوبی هستند.

معاون توزیع نیروی برق شرکت توانیر افزود: در صورت کروناویک ترده‌های سسنگین و سفراهی زیادی برای این خدمات ضرورت می‌گیرد خدمات صنعت برق به سادگی در دسترس قرار گرفته است و کسانی که حتما همرا دارند می‌توانند از طریق سامانه "برق ایران" خدمات را از این سامانه دریافت کنند. همچنین درگاه‌های متعدد دیگری برای این کار دیده ششده، در بسیاری از شرکت‌ها تالغن ۱۵۲۱ این خدمات را ارائه می‌دهد، درگاه‌هایی که شرکت‌های خدمات الکترونیک دارند هم به رودی از این قابلیت برخوردار خواهند شد و مشترکان ما به زودی از هر جگاک که تمایل دارند قادر به دریافت این خدمات خواهند بود.

«روستا بازار» ها برای عرضه مستقیم محصولات کشاورزی راه اندازی می‌شود

مدیر اتحادیه مرکزی دامداران ایران از راه اندازی «روستا بازار» برای عرضه مستقیم انواع محصولات کشاورزی، گوشت و لبنیات خبر داد. سعید سلطانی سروستانی در گفتگو با خبرگزاری صداوسیما با اشاره به خلأ موجود در تولید و توزیع کالا با قیمت مناسب افزود: کالا پس از خروج از محل تولید با افزایش ۵۰ تا ۶۰ درصدی قیمت به دست مصرف کننده می‌رسید که این رویه با تأسیس روستا بازار اصلاح خواهد شد.

وی به زودی با بیان اینکه نخستین روستا بازار در تهرانپارس راه اندازی می‌شود،گفت: این بازار به دستور وزیر جهاد کشاورزی راه اندازی شده و همه اتحادیه‌ها محصولات خود را به صورت مستقیم در این مرکز عرضه خواهند کرد.مدیر اتحادیه مرکزی دامداران ایران با اشاره به اینکه اتحادیه های دامداران و مواد لبنی در این کار حضور خواهند داشت و گوشت و

انصباب دبیر ستاد تنظیم بازار

بسا حکمت وزیر صنعت، معدن و تجارت، عباس قبادی دبیر کارگروه تنظیم بازار کشور شد.

بسه گزارش فارس به نقل از وزارت صنعت معدن و تجارت، با حکم رزم حسینی، عباس قبادی به عنوان دبیر کارگروه ستاد تنظیم بازار منصوب شد.

در متن این حکم آمده است: به استناد مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی و مصوبه هیات محترم وزیران در مورد اداره کارگروه تنظیم بازار و برقراری هماهنگی های لازم برای اجرای موثر تصمیمات کارگروه و سایر امور محوله، به موجب این حکم با حفظ سمت، جنابعالی را به عنوان دبیر کارگروه تنظیم بازار منصوب می نمایم. امید است با بهره گیری از ظرفیت‌های تمام دستگاه‌های عضو کارگروه و تشکلی های توانمند غیردولتی و روشی های نوین تأمین مدیریت، سیستم‌های هوشمند کنترل و نظارت بر بازار، مساعی لازم را برای حفظ تعادل و آراستش مصرف با رویکرد حمایت توانمان از تولید کنندگان در کالاهای اساسی، حساس و ضروری صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدمات مورد نیاز جامعه معمول نمایاید.

اخبار اقتصادی

محصولات لبنی را به قیمت مناسب عرضه خواهند کرد، گفت: این بیان مسئول از مراکز تره بار است و علاوه بر مقدار مختلف تولید در سایر استان‌ها هم راه اندازی خواهد شد. وی افزود: به اکنون غرفه سازی‌های لازم در منطقه حقیقیه تهرانپارس ایجاد شده و زودی نخستین روستا بازار راه اندازی می‌شود. در همین حال، معاون امور زراعت و وزارت جهاد کشاورزی از عملیاتی شدن کشاورز کارت از هفته آینده در سراسر کشور خبرداد و گفت: یکی از مشکلات اساسی کشاورزان پرداخت بیه‌گزارش روابط عمومی وزارت جهاد کشاورزی، جواد وفاخش با اشاره به اینکه برای دریافت این کارت مدارک خاصی لازم نیست، افزود: تنها حساب بانکی کارگزاران در شعب بانک کشاورزی دارند برای استفاده از امکانات این کارت فعالیت می‌کنند.وی

رشد ۳۶/۲ درصدی نقدینگی در شهریور امسال

سرویس اقتصادی: بانک مرکزی گزارش تحولات مالی ایران در نیمه نخست امسال را منتشر کرد که براساس آن میزان نقدینگی با رشد ۳۶/۲ درصدی در شهریور امسال به رقم ۲۸ هزار و ۹۵۸ هزار میلیارد ریال افزایش یافته است. در متن این حکم آمده است: به استناد مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی و مصوبه هیات محترم وزیران در مورد اداره کارگروه تنظیم بازار و برقراری هماهنگی های لازم برای اجرای موثر تصمیمات کارگروه و سایر امور محوله، به موجب این حکم با حفظ سمت، جنابعالی را به عنوان دبیر کارگروه تنظیم بازار منصوب می نمایم. امید است با بهره گیری از ظرفیت‌های تمام دستگاه‌های عضو کارگروه و تشکلی های توانمند غیردولتی و روشی های نوین تأمین مدیریت، سیستم‌های هوشمند کنترل و نظارت بر بازار، مساعی لازم را برای حفظ تعادل و آراستش مصرف با رویکرد حمایت توانمان از تولید کنندگان در کالاهای اساسی، حساس و ضروری صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدمات مورد نیاز جامعه معمول نمایاید.

برنامه بنیاد مستضعفان برای بهبود نقدشوندگی سهام

دانه نوسان شرکت‌های بورسی و فراپورسی بنیاد مستضعفان به وزارت شرواع بازارگردانی این نهادها دوبرابر شد. محمد اسکندری مدیرعامل هلدینگ مالی و سرمایه گذاری بنیاد مستضعفان با اعلام این خبر اظهار داشت: در اجرای مصوبات شورای عالی بورس و طبق مفاد دستورالعمل بازارگردانی مبنی بر امکان درخواست بازارگردان برای شرکت‌ها بنیاد مستضعفان با توجه به درخواست این سازمان نسبت به متعال شدن نهادها و روان تر شدن عملیات آنها کمک کند که البته لزوماً به معنای مثبت یا منفی ششدن قیمت این نهادها نیست بلکه گره معاملاتی را کاهش می دهد، هر چند با انتشار آگهی بازارگردانی همزمان با دو برابر شدن دانه نوسان این نهادها، آقبال خوبی و به این نهادها شده است. وی ادامه داد: این اقدام کاملاً مطابق با استانداردهای فعالیت بازار سرمایه و با توجه به حرفه‌ای در بازار است و ما بر همین اساس، دو برابر شدن دانه نوسان را خواستار شدیم و معتقدیم این اقدام

دانه نوسان شرکت‌های بورسی و فراپورسی بنیاد مستضعفان به وزارت شرواع بازارگردانی این نهادها دوبرابر شد. محمد اسکندری مدیرعامل هلدینگ مالی و سرمایه گذاری بنیاد مستضعفان با اعلام این خبر اظهار داشت: در اجرای مصوبات شورای عالی بورس و طبق مفاد دستورالعمل بازارگردانی مبنی بر امکان درخواست بازارگردان برای شرکت‌ها بنیاد مستضعفان با توجه به درخواست این سازمان نسبت به متعال شدن نهادها و روان تر شدن عملیات آنها کمک کند که البته لزوماً به معنای مثبت یا منفی ششدن قیمت این نهادها نیست بلکه گره معاملاتی را کاهش می دهد، هر چند با انتشار آگهی بازارگردانی همزمان با دو برابر شدن دانه نوسان این نهادها، آقبال خوبی و به این نهادها شده است. وی ادامه داد: این اقدام کاملاً مطابق با استانداردهای فعالیت بازار سرمایه و با توجه به حرفه‌ای در بازار است و ما بر همین اساس، دو برابر شدن دانه نوسان را خواستار شدیم و معتقدیم این اقدام

حجم تجارت خارجی به ۳۸/۲میلیارد دلار رسید

میلیارد دلار، هند ۱/۲ میلیارد دلار، عمان ۱/۲ میلیارد دلار کالا به ایران صادر کردند. در سوری یک معاون فنی گمرک ایران اظهار داشت: با توجه به شرایط موجود، براساس فراسی امور گمرکی نسبت به اعمال قانون متروکه با رعایت مقررات مربوطه

رئیس کل گمرک ایران از کاهش ۱۷/۵ درصدی صادرات در هفت ماهه اسال نسبت به مدت مشابه سال‌های قبل خبر داد. سوری یک معاون فنی گمرک ایران اظهار داشت: با توجه به شرایط موجود، براساس فراسی امور گمرکی نسبت به اعمال قانون متروکه با رعایت مقررات مربوطه

رئیس کل گمرک ایران از کاهش ۱۷/۵ درصدی صادرات در هفت ماهه اسال نسبت به مدت مشابه سال‌های قبل خبر داد. سوری یک معاون فنی گمرک ایران اظهار داشت: با توجه به شرایط موجود، براساس فراسی امور گمرکی نسبت به اعمال قانون متروکه با رعایت مقررات مربوطه

رئیس کل گمرک ایران از کاهش ۱۷/۵ درصدی صادرات در هفت ماهه اسال نسبت به مدت مشابه سال‌های قبل خبر داد. سوری یک معاون فنی گمرک ایران اظهار داشت: با توجه به شرایط موجود، براساس فراسی امور گمرکی نسبت به اعمال قانون متروکه با رعایت مقررات مربوطه

رئیس کل گمرک ایران از کاهش ۱۷/۵ درصدی صادرات در هفت ماهه اسال نسبت به مدت مشابه سال‌های قبل خبر داد. سوری یک معاون فنی گمرک ایران اظهار داشت: با توجه به شرایط موجود، براساس فراسی امور گمرکی نسبت به اعمال قانون متروکه با رعایت مقررات مربوطه

رئیس کل گمرک ایران از کاهش ۱۷/۵ درصدی صادرات در هفت ماهه اسال نسبت به مدت مشابه سال‌های قبل خبر داد. سوری یک معاون فنی گمرک ایران اظهار داشت: با توجه به شرایط موجود، براساس فراسی امور گمرکی نسبت به اعمال قانون متروکه با رعایت مقررات مربوطه

رئیس کل گمرک ایران از کاهش ۱۷/۵ درصدی صادرات در هفت ماهه اسال نسبت به مدت مشابه سال‌های قبل خبر داد. سوری یک معاون فنی گمرک ایران اظهار داشت: با توجه به شرایط موجود، براساس فراسی امور گمرکی نسبت به اعمال قانون متروکه با رعایت مقررات مربوطه

شش‌تن کودها و نهادهای کشاورزی مقرر شد

این کار در بخش کودهای آرداتی و همچنین کودهای شیمیایی پرداخت شود و در مرحله بعد برای سایر نهاده انجام خواهد شد. وفاخش گفت: در حال حاضر منابع اعتباری این طرح حدود ۲ هزار میلیارد تومان است که با مساعدت بانک کشاورزی و بانک مرکزی تأمین شده است.

وی افزود: در ماه‌ای آینده با افزایش منابع اعتباری جدید، هم مبلغ تسهیلاتی و هم اقلام دیگر مانند سموم شیمیایی، کودهای غیر شیمیایی و سایر نهاده‌های مورد نیاز کشاورزان را افزایش می‌دهم. معاون امور زراعت و وزارت جهاد کشاورزی ادامه داد: این طرح در بسیاری از کشورهای دنیا به عنوان کارت اعتباری وجود دارد که براساس یک اعتبار، نهاده‌ها خریداری می‌شود و در زمان فروش محصول با کشاورزان محاسبه خواهد شد.

رشد ۳۶/۲ درصدی نقدینگی در شهریور امسال

رشد و میزان شبه پول با ۲۲۹۵۱ هزار میلیارد ریال معادل ۲۸ درصد رشد داشته‌اند. سرویس دیگر میزان دارایی‌های خارجی بانک مرکزی با رشد ۱۹/۱ درصدی در نیمه اول امسال رقم ۵۵۵۱/۲ هزار میلیارد ریال را تجربه کرد. میزان بدو بخش دولتی به هم بانک مرکزی هم در پایان شهریور امسال با رشد ۲۶/۱ درصدی از رقم ۱۳۹۶/۹ هزار میلیارد ریال گذشت. در این مدت، میزان اسکناس و مسکوک بانک مرکزی با کاهش ۴۴/۹ درصدی حدود ۱۹/۴ هزار میلیارد ریال شش‌شد طبق این گزارش میزان سپرده‌های بانکی نزد بانک مرکزی در شهریور امسال ۳۰۲/۵ هزار میلیارد ریال رسیده که به مقایسه با شهریور پارسال ۲۹/۸ درصد رشد دارد. همچنین میزان سپرده‌های دیداری با افزایش ۹۰/۷ درصدی به رقم ۵۴۰۷/۴ هزار میلیارد ریال رسید.

اقدام باید برای کل نمداهای بازار

سرمایه ایجاد شده و به تدریج با افزایش تعداد بازارگردانان روی هر نماد یا حجم تعهدات بازارگردان، محدودیت دانه نوسان از بازار سرمایه برداشته شود. اسکندری با قایل قول خواندن

اثر این اقدام توسط صندوق سپانپهگیرین به عنوان بازارگردان نهادهای این شرکت‌ها تأکید کرد: نماد «پینود» نخستین نماد بورسی در بازار سرمایه بود که در روز چهارشنبه دانه نوسان آن دو برابر شد و به دنبال آن سه نماد «قیام»، «زیبا» و «شگرا» از روز یکشنبه با دانه نوسان جدید فعال شدند و به مرور دانه نوسان تمام سایر شرکت‌های بنیاد مستضعفان در بازار سرمایه، در صورت موافقت بورس و فراپورس، دو برابر خواهد شد.

لازم به ذکر است بازارگردانی ۲۷ نهاد شرکت‌های تابعه بنیاد در بازار سرمایه به تدریج و با موافقت بورس و فراپورس در حال اجرای شده است.

حجم تجارت خارجی به ۳۸/۲میلیارد دلار رسید

رئیس انجمن واردکنندگان برنج از حل ششدن مشکل ارزی و صدور کد تخصیص از خبر داد و اعلام کرد: همه کد فعلا تمایلی به تخصیص این کالا از گمرک ندارد چرا که به نوعی برای آن‌ها به صرفه نبوده و قیمت بهتر وارداتی با برنج داخلی برابری می‌کند.

رئیس انجمن واردکنندگان برنج از حل ششدن مشکل ارزی و صدور کد تخصیص از خبر داد و اعلام کرد: همه کد فعلا تمایلی به تخصیص این کالا از گمرک ندارد چرا که به نوعی برای آن‌ها به صرفه نبوده و قیمت بهتر وارداتی با برنج داخلی برابری می‌کند.

ایین در حالی‌بود که وی و برخی دیگر از واردکنندگان و صاحبان برنج های دپو ششده در گمرک و بنادر از چندی پیش با انتقاد از رویه تخصیص و تأمین ارز نسبت به کمبود برنج در بازار و ترخیص فوری آن هشدار داده بودند.

معاون فنی گمرک ایران در این مورد گفت: صدور کد تخصیص

ضرورت انجام اقدامات مدیریتی و حفاظتی در جنگل های هیرکانی

بهره برداری از جنگل‌های شمال موفق ششده است و برداشت چوب، خط قرمز ماست و این یک تصمیم قانونی است. مسعود منصور رئیس سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور در جلسه ستاد جنگل‌های هیرکانی خاطر نشان کرد: همه ما نسبت به حفاظت و مشکلات جنگل‌های کشور مسئولیت داریم و افکار عمومی درباره مسائل و مشکلات جنگل‌ها از سازمان مطالبه دارد و باید از افکار صرف مسائل و مشکلات هیرانی جسته و به یک تصمیم اجرایی برسیم.

به گزارش مهر به نقل از سازمان جنگل‌ها، وی با بیان اینکه برنامه اقدامات مدیریتی- حفاظتی جنگل‌ها باید تهیه و اجرا شود، اعلام کرد: تنها بهره برداری چوبی از جنگل‌های شمال ممنوع اعلام ششده است و سایر اقدامات مدیریتی و حفاظتی در جنگل‌های هیرکانی باید انجام شود، زیرا جنگل را نمی‌شود بدون طرح اقدام کرد.

سروست معاونت توسعه و مدیریت منابع ملی به خصوص چگونگی دریافت این سود بیان کرد: سودهای حاصل می‌توانند در این بازه زمانی، مراجعه به شعب بانک ملت در سراسر کشور، با ارائه اشل کارت ملی و نیز کد بورسی خود نسبت به دریافت سود متعلقه در سایر مطالعات خود اقدام کنند. وی در خصوص بازرسنگان صندوق بانزرسنگان گفت: این افراد که در سال ۱۳۹۵ با طرح فراخوان آن صندوق در زمزمه سهام‌داری این شرکت درآمده، سود سهام خود را با هماهنگی مدیریت بانزرسنگی کشور، به صورت چکانه طی مه‌رام سال جاری در حساب‌های معرفی شده خود، دریافت خواهند کرد.

رسمان وزیر رمان رداخت سود سهام مربوط به سهام‌داران حقوقی نیز بیان کرد: سود سهام این سهام‌داران، مطابق با قانون تجارت و قوانین مربوطه پرداخت خواهد شد.

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی	
بر بشکه نفت سیک آمریکا (وست تکزاس)	۳۵/۷۹ دلار
بر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۳۷/۴۹ دلار
مقنوس سفدت نفت کشورهای اوپک	۳۷/۱۲ دلار
هر بشکه نفت سنگین ایران	۳۷/۳۹ دلار
هر اونس (۳۷/۱ گرم) طلا	۱۸۷۹/۱۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۲۸۲۲۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۳۲۰۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۶۴۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۳۲۰۰۰ تومان
گرمی	۲۷۰۶۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مژه ساخت)	۱۲۲۸۷۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ رسمی بانک برای کالاهای اساسی)	۲۲۰۰۰ تومان
دلار آمریکا(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۲۶۹۷۰/۶ تومان
دلار آمریکا(نرخ صرافی دارای مجوز بانک مرکزی)	۲۷۲۰۶ تومان
دلار آمریکا(نرخ صرافی آزاد)	۲۸۰۵۰ تومان
یورو(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۲۸۹۹/۸ تومان
یورو(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۲۸۳۶۰/۱ تومان
یورو(نرخ صرافی دارای مجوز بانک مرکزی)	۲۸۳۶۲/۱ تومان
یورو (نرخ صرافی آزاد)	۳۲۵۰۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۵۳۳۸/۵ تومان
پوند انگلستان(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۳۳۲۰۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ صرافی دارای مجوز بانک مرکزی)	۳۳۷۰۵ تومان
پوند انگلستان (نرخ صرافی آزاد)	۳۷۵۰۰ تومان
پوند امارات (نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۱۱۳۲/۷ تومان
پوند امارات(نرخ صرافی دارای مجوز بانک مرکزی)	۳۰۷/۶ تومان
پوند امارات (نرخ صرافی آزاد)	۷۷۱۳ تومان
پوند امارات (نرخ صرافی آزاد)	۷۷۵۰ تومان

تهران مستعد بروز زلزله های بزرگ است

تهران به عنوان یک کلاشهر ۱۲ میلیون نفری به دلیل وجود گسل های متعدد در اطراف خود همواره با خطر بروز یک زلزله بزرگ روبروست. دکتر علی بنی اللهی رئیس بخش زلزله مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی در خصوص انجام مطالعات آن مرکز در رابطه با ایمنی و رعایت الزامات ناشن ششدن شریان‌های حیاتی در کنار گسل‌های فعال در احداث کنار جنوبی تهران که در هفته‌های آتی افتتاح خواهد شد، گفت: با توجه به اهمیت که کنار گذر جنوبی تهران در مدیریت بحران و تسهیل در تردد در زمان رخداد زلزله‌ها و سایر حوادث دارد، توجه به مطالعات تحرکات گسل‌ها در این مناطق ملظفر قرار گرفت.

وی با تأکید بر اینکه حل مسایل ترافیکی به عنوان اصلی ترین هدف از اجرای پروژه کنار گذر جنوبی تهران مطرح ششده است، توضیح داد: به خصوص اجرای این پروژه و کمک به مدیریت بحران، بخش‌های فراوان مطرح شد. از جمله آنها بررسی تخلیه شهر تهران در مواقع بحران و زلزله‌های بزرگ بوده که بار ترافیکی بزرگی ایجاد خواهد کرد. به همین جهت ضرورت داشت تا راه‌های جایگزین به سمت غرب تهران که بتواند گره‌های ترافیکی را در مواقع بحران باز کند، موردتوجه قرارگیرد.بیت اللهی اضافه کرد: با توجه به اینکه وقوع زلزله در تهران با توجه به زلزله خیز بودن این منطقه، خطر عمده ای برای این شهر به شمار می‌رود؛ به همین جهت احداث کنارگذر جنوبی تهران از منظر تسهیل در تردد در هنگام بحران در شهر تهران بسیار موثر است.

وی گفت: در ارتباط با مطالعات احداث این راه، مطالعات پایه‌ای در مورد آب‌گذر‌ها، خطر سیل و مواردی از این نمونه‌ها انجام شده است. اما توجه به آنکه محدوده جنوبی شهر تهران، گسل با قابلیت جابه‌جایی عمده ندارد، نگرانی خاصی از نظر ایمنی وجود ندارد.آزادراه کنار گذر جنوب تهران و البرز از محدوده آن عبور نمی‌شود و ی شروع می‌شود و از بخش جنوبی البرز و بخش جنوبی تهران عبور می‌کند و به آزادراه حرم تا حرم در منطقه چرم‌شهر متصل می‌شود. این آزادراه در منطقه گل‌واکه ترانک عبوری تهران و البرز خواهد بود. آزادراه کنارگذر جنوبی تهران و کرج ۱۶۰ کیلومتر طول دارد و به صورت ۶ بانده ۲ خطه است.

حجم تجارت خارجی به ۳۸/۲میلیارد دلار رسید

ارز به هیچ عنوان به معنای مجوزی برای ترخیص برنج های دپو شده در گمرک نیست و ما هیچ اختیاری برای ترخیص این برنج‌ها با صدور کد تخصیص نداریم و فقط باید

کد رهگیری بانک (کد سانا) صادر شود، بنابراین با صدور کد تخصیص مشکلی برای ترخیص برنج‌ها در شرایط موجود در بنادر و کانیترها این برنج‌ها رو به فاسد شدن هستند. در این حال که تشخیص فاسد یا سالم ماندن برنج‌ها بر عهده دستگاه های مربوطه از جمله سازمان کشاورزی و سازمان ملی استاندارد است و تا زمانی که مجوز معتبر آن‌ها به ما اعلام نشود، ترخیص صورت نخواهد گرفت. معاون فنیس گمرک ایران با اشاره به اینکه گمرک وارداتی و مدت‌ها قبل به گمرک اظهار شده در ترخیص آن‌ها صورت نگرفته و در حال حاضر انجمن واردکنندگان برنج نداشتن تمایل خود را برای ترخیص اعلام کرده است، گفت: بر اساس اعلام گمرک ایران طبق قوانین امور گمرکی اقدام کرده و قانون متروکه را با رعایت مقررات، برای برنج‌های روسی در گمرک اعمال خواهد کرد.

وی یادآور شد: در صورتی که گمرک برای دپو های دپو ششده که حدود ۳۳۰ هزار تن برآورد می‌شود را متروکه اعلام کند آن‌گاه این مجموعه برای تعیین تکلیف به سازمان اموال تملیکی سپرده می‌شود.

برنامه مدیریت کرد. رئیس سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور اضافه کرد: آنچه در جنگل باید انجام شود، جنگلداری بدون برداشت چوب است و هیچکس مجوز بهره برداری چوبی از جنگل نیست.

رئیس سازمان جنگل‌ها تصریح کرد: جنگل‌ها کارکردهای فراوانی دارند و علاوه بر آن با مسائل و مشکلات اجتماعی زیادی هم روبرو هستند که در طرح جایگزین جنگل همه این موارد باید دیده شده و اجرا لحاظ شود.

منصور در خاتمه تأکید کرد: تمامی تصمیم گیری‌ها در جلسه ستاد جنگل هیرکانی باید بر اساس مطالعات و کار کارشناسی این حوزه باشد و نقش رئیس سازمان در جلسات، حمایت‌ها و پشتیبانی‌های لازم برای پیشبرد اهداف است.

آگهی منقاصه خرید کارت ن

این شرکت در نظر دارد نسبت به خرید کارت‌های نوسان میزان جهت بسته‌بندی محصولات خویش از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا از کلیه متقاضیان شرکت در مناقصه دعوت به‌عمل می‌آید جهت دریافت استنادات مناقصه و ارائه پیشنهاد قیمت از تاریخ انتشار این آگهی ۸۰/۱۲/۱۹۱۲ تا ۹۰/۱۲/۱۹۱۲ روز کاری به محل کارشناسی قرار داد ودر

کیلومتر ۱۰ جاده تبریز به طرف تهران، بالاتر از پاساگه پلیس‌راه، روبروی مرکز آموزش جهاد کشاورزی، خیابان سسرمدارو، واحد تدارکات شرکت و با دفتر تهران به نشانی پلازما مرداران، رسیده به پل یادگار امام شمالی، خیابان فرشتگان، پلاک ۳ک مراجعه نمایند.
زمان اتمام مدت مناقصه و تحویل اوراق ۹۰/۸/۲۴ می‌باشد و این ضمتا به هیچ عنوان قابل تمدید نمی‌باشد.
مدت اعتبار مناقصه به سبب اینترنتی شرکت به‌ادرس www.sgco-infusion.com قابل مشاهده می‌باشد.
شرکت داروسازی شهید قاضی (سهامی عام)

اطلاعات

برند اسرائیل!

ایلان پاپه **ترجمه محسن کر****باسفروشان بخش پنجم و پاپانی**



بنده از آپیک در ایالات متحده، در قاره اروپا شروع به فعالیت کردند. کارزاری با چنین گستره با دقت خاص نظامی به راه افتاد. سرلشکر ایثان دانگوت که هماهنگ‌کنندهٔ سیاست‌های اسرائیل در اراضی اشغالی بود، و در این مورد به‌طور اتفاقی از حماس نام برد؛ اما تأکید کرد که این پدیده، پدیده‌ای کلی و همه‌گیر است.

برای مثال در کنفرانسی که مرکز هرتفلیا سال ۲۰۱۱ با عنوان «گزارش به ملت» برگزار کرد، مشروعیت‌زدایی به عنوان یکی از موضوعات اصلی انتخاب شده بود. سخنرانان یکی پس از دیگری، تهاجم به مشروعیت رژیم اسرائیل را بخشی از بیماری‌ها و شرارت‌های جناح چپ پسامدرنیسم می‌دانستند که به پی آن است تا منابع تولید فرهنگ را تسخیر کند، تا بتواند حقیقت را به چنگ خود درآورد. آنها معتزانه می‌گفتند صرف‌نظر از اینکه چه اتفاقی بیفتد، اسرائیل همیشه سرزنش می‌شود و مقصر دانسته می‌شود. و سرانجام گفتند اسرائیلی‌ها نباید در حضور غریبه‌ها مسائل خصوصی خود را مطرح کنند، بلکه باید همواره اسرائیلی متحد را به نمایش بگذارند.

دانشگاهیهایی که برای آژاس بهود کار می‌کردند، سازمان ملل، نظام‌های قانونی غربی و دانشگاه‌های غرب را برای حملات مداوم به اسرائیل سرزنش می‌کردند. در این میان بریتانیا مستثنای بود. این کشور برای این استثنا مروهن جمعیت رو به رشد مسلمان خود بود. قدرت خالص بهود و تونایی بالقو‌اش برای بی‌ثبات ساختن منطقه، اگر نه همه جهان، کوشش برای کردن اسرائیل را در قرن بیست‌ویکم تداوم می‌بخشد. چنین تلاش‌هایی بیشتر در خارج از این کشور حصاربندی‌شده به وقوع می‌پیوندد. بدیهی است تبعیض‌های فراوانی که در خارج هستند، می‌توانند همکاران خوب و مهمی برای این فعالیت باشند. در انشعابات جدید حزب کارگر، فلسطینیان می‌گویند بازتعریفی در موجودیت خود پس از یک قرن فشار، سرکوب، مصادره و غصب اموال و قطعه‌قطعه شدن و استعمار، به دست دهند. در همین حال بقیه جهان می‌گویند تا جوهره و طبیعت و قصد و نیت آینده کشوری را که در سال ۱۹۴۸ خلق شده است، به‌همند؛ کاری که اسرائیلی‌ها خود به این نمونه اپیزادند. این حکومتی است که با حمایت جامعه جهانی، اما برخلاف آمال و آرزوهای جمعیت بومی آن، به زور ساخته شده است. برای همه کسانی که نگران و علاقه‌مندند، یک موضوع با درد و اندوه، ما شاید هم با خوشحالی سروشن است: ایده اسرائیل یک موجود زنده است؛ کشوری با هفت‌میلیون جمعیت و اقتصادی پیشرفته، دارای ارتشی قوی با فرهنگی پررونق و با نسل سومی از مهاجران که به مرور زمان این سرزمین شده‌اند.

در سالهای اخیر دو الگوی مترقی در تلاش‌های فعالان اجتماعی و دانشگاهیان برای هر چه دقیق‌تر و اخلاقی‌تر نشان دادن پدیده صهیونیسم و اسرائیل سر برآورده است: یکی نمونه مهاجر استعمارگر و دیگری نمونه اپارتاید. این هر دو به طرز مؤثر رویکرد رسمی اسرائیلی و دانشگاهی حاکم را به نقد می‌کنند؛ رویکردی که اصرار دارد صهیونیسم منحصرأ به عنوان یک جنبش لیبرالی ملی و اسرائیل به مثابه یک لیبرال‌دموکراسی دیده و شناسایی شود. و اکنون این هر دو الگو و نمونه، نه رضایت‌بخشند و نه ناپذیرند. آنها خواستار مطالعات تاریخی با فرجامی معلوم برای واقعیتی ملودمند. در مطالعات رایج از استعمار، وضعیت مهاجران استعمارگر، وضعیتی است که تاریخ استعماریشان را در پشت پرده پنهان کرده است. تا زمانی که چیزی مناسب‌تر نیافته‌ایم، این الگوها و نمونه‌ها بهترین چیزی هستند که داریم. از این منظر ما با مشکلاتی روبرو می‌شویم که دانشگاهیان، کارشناسان و دانشمندان با آنها روبرو شده‌اند. آنها کوشیده‌اند طبیعت و جهت‌گیری انقلابات دنیای عرب را توضیح دهند و انقلاباتی را که به «بهار عرب» شهرت یافت، تشریح کنند. این هر دو الگو و نمونه پدیده‌هایی مفتوح‌اند.

فشار از دنیای خارج بر اسرائیل در تابستان سال ۲۰۱۳، زمانی که اتحادیه انجمن‌های معدودری از علیه اسرائیل به اجرا گذاشت، به اوج خود رسید. بدنه و چه‌راهی که اسرائیل از خود از سال ۱۹۴۸ ترسیم و در جهان به ترویج آن پرداخته بود، اسرائیل را همچون جزیره ثبات و آرامش، متمدن و بااخلاق، در دریای وحشیگری، بلدوت و خرافه و تعصب نشان می‌داد؛ این چه‌راهی اکنون به نقد کشیده شده بود. حتی نیم میلیون اسرائیلی که تابستان ۲۰۱۱ برای به دست آوردن زندگی بهتری به خیابان‌های تل‌آویو به تظاهرات پرداختند، فهمیده بودند که آن چه‌راهی نامشای از اسرائیل واقعیت ندارد، بلکه وارونه هم هست. آنها خواستند تا تظاهرات خود درکشان را از این واقعیت به هیات حاکمه و به دنیا نشان دهند. آنها در آن تظاهرات فریاد می‌زدند: «آل‌آویو، میدان تحریر بعدی است». در سال ۲۰۱۳ آنها به طور جدی تهدید به ایجاد «میدان تحریر» جدیدی کردند؛ زیرا دولتی که در سال ۲۰۱۲ انتخاب شده بود، به هیچ‌یک از خواست‌های آنان در زمینه مسکن، استخدام و آموزش، پاسخی مثبت نداده بود.

قدرت‌های فائقه در اسرائیل تاکنون نتوانسته‌اند در مقابل تیریه‌ترین چه‌راهی بهار عربی تاب آورند. نخبگان سیاسی اسرائیل امیدوارند بهار عربی به خلق دریای هر چه بیشتر متلاطم اسلامی بینجامد تا جزیره ثبات و آرامش اسرائیل بیش از پیش نمود پیدا کند و به چشم یهودیان و جهانیان بیاید؛ اما چنین به نظر می‌رسد که این خواست به تحقق نیبوند. حتی در بحرانی‌ترین و خشونت‌بارترین لحظات این تحولات جدید تاریخی، افکار عمومی جهانی، اسرائیل را به‌خاطر ستم پیوسته علیه فلسطینیان نبخشیده است. اسرائیل روز به روز هر چه بیشتر به عنوان کشوری استعمارگر دیده می‌شود که نتوانسته است قرن بیستم را با همین روش سپری کند. بقای او یقیناً به خاطر حمایتی بوده که آمریکا نسبت به آن اعمال کرده است. ایالات متحده از این روز از این حکومت حمایت کرده و می‌کند که نقشی سبازنده و مؤثر در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی داشته است. دیگر بُعد اخلاقی در حمایت جهانی از اسرائیل مطرح نیست، وقتی وجه مسئولیت اخلاقی این حمایت رو به ضعف بگذارد، سناوریوهایی که به آنها پسااصهیونیست‌ها و نوصهیونیست‌ها، صرف‌نظر از خوب یا بد بودن آن، به یک اندازه مشارکت دارند، به حقیقت خواهد پیوست. این سناوریوا زندگی در یک کشور مغرور را که حامی یک رژیم آپارتایدی است، بازتولید می‌کنند. گرچه این کتاب، با این امید نوشته شد که این سناوریواهای ترسوم و شوم روی نلند؛ با احساسی نارام و ناسوده باید گفت که این سناوریوا، همین حالا جلو چشمان ما آشکار می‌شود. ^{∗∗∗}

پاورقی کتاب ایده اسرائیل در این شماره پایان یافت؛ کتابی که در دو بخش و دوازده فصل تدوین شده است:

بخش اول: ایده اسرائیل؛ دانشگاهی، ساختگی یا افسانه‌ای؟ فصل اول/ تاریخ عینی سرزمین و مردم فصل دوم/ بیگانه‌سازی که

ترویتست شد؛ فلسطینی در فکر و عقیده‌صهیونیستی فصل سوم/ جنگ ۱۹۴۸ در کلام و در پندار

بخش دوم:بره‌پساصهیونیستی فصل چهارم/ پیشگامان فصل پنجم/ به رسمیت شناختن جامعه فلسطینی؛ بازبینی جنگ ۱۹۴۸

فصل ششم/ ظهور دانشگاه پساصهیونیستی ۲۰۰۰ – ۱۹۹۹ فصل هفتم/ تحریک واکنش‌های جامعه؛ خاطره هولوکاست در اسرائیل

فصل هشتم/ ایده اسرائیل و یهودیان عرب فصل نهم/ دوره فرهنگی پساصهیونیستی فصل دهم/ درباره سینما و تئاتر پساصهیونیستی فصل یازدهم/ پیروزی نوصهیونیسم

فصل دوازدهم/ دورخوران نوصهیونیستی

نام سرزمین آریاه‌ها در متون اوستایی، «آیَریز وَهَنجَه» و در زبان پهلوی «ایرانویج» می‌باشد. این‌اشناسان داخلی و خارجی در مورد موقعیت جغرافیایی این مکان اتفاق نظر ندارند. بعضی این مکان را خوارزم و بعضی آن را «اران» یا قفقاز می‌دانند. به هر حال این واژه به مرور زمان به واژه «ایران» تغییر شکل داده و اکنون نام محدوده جغرافیایی سرزمین ماست. فرهنگ و تمدن ایران باستان آمیخته‌ای از فرهنگ و تمدن گسترهٔ وسیع اقوام مختلف ایرانی و متأثر از تعامل با اقوام همسایه مانند بابل و آشور بود. بهره‌مندی از چنین مبنا و تعاملی، به رشد و تعالی فرهنگی ساکنان این سرزمین انجامید و به آن ویژگی خاص داد، به طوری که رشته‌هایی چون ریاضی، نجوم، پزشکی، داروسازی، صنعت، هنر، خزانه داری، حسابداری، آئین کشور داری و اداره امور مملکت، کشاورزی، دفاع و سازمان دادن لشکر، دریا داری ، تجارت، حقوق، دادرسی و قضاوت، تأمین اجتماعی و مکتب‌های فلسفی و عرفانی توانستند به طور سریع رشد و توسعه پیدا کنند.

منابع امروزی برای آگاهی از پیشینه علمی و فرهنگی ایران باستان، عبارتند از: متون اوستایی، متون پهلوی و گزارش‌های تاریخ‌نویسان خارجی از جمله مورخان یونانی و مسیحی است. علاوه بر اینها، نویسندگان دوران اسلامی نیز به گزارش بعضی از وقایع علمی و فرهنگی ایران باستان پرداخته‌اند.

تاریخ این سرزمین بیانگر این حقیقت است که در طی دوره‌هایی این مرز و بوم به اوج شکوفایی و قدرت رسید و پایگاه علم و معرفت گلمداد می‌شد؛ اما زمان‌هایی نیز بوده که در پی تهاجم برخی قبایل غارتگر و بی‌تمدن، عطشش رنگ باخته است. آیین بر بدن کتاب‌ها و مراکز علمی و قتل و سرکوب دانشمندان، یکی از پیامدهای همین تهاجمات بوده است. اگرچه سلسلهای بعدی تا آنجا که میسر بوده، به گردآوری و بازبینی بعضی از متون ارزشمند قدیمی همت گماشته‌اند، ولی به هر حال این تاخت و تازها صدمه جبران‌ناپذیری به فرهنگ ما زده است. در پی به بررسی بعضی از علوم و مراکز علمی در ایران باستان پرداخته می‌شود.

علوم پزشکی

یکی از زمینه‌های مهم علمی که در ایران باستان

پیشرفت چشمگیری داشت، علم پزشکی است؛ تا جایی که بعضی از دانشوران و شرق‌شناسان، ایران را زادگاه پزشکی می‌دانند. ریشه کلمه پزشکی، واژه اوستایی *baēša*zya به معنی درمانگر و درمان‌کننده می‌باشد. این واژه با تغییرانی در طول زمان به واژه «پزشک» امروزی تبدیل شده است. دانش پزشکی در ایران باستان از چنان ارزش بالایی برخوردار بود که در متن اوستایی نایش اهورامزدا، درمانگری یکی از صفات خدای یکتا به شمار آمده است.

بنا بر تومون کهن، پیامبر ایران باستان، زردشت خود پزشک ماهری بود که هم بیماری‌های جسمی و هم بیماری‌های روحی را مطالعه می‌کرد. در این باره مواردی نیز به عنوان مثال آمده است.

در کتاب‌های وَندِیداد و هوسپارم نَسک (hūspāram-nask) که به زبان اوستایی هستند و همچنین در کتاب‌های پهلوی، از جمله بُدَنَه‌ای دینَکرت، در باره پزشکی، دامپزشکی، درمان و گیاهان دارویی مطالبی وجود دارد. این نوشته‌ها کهن‌ترین متنبهای ایرانی در مورد علوم پزشکی دارو و درمان می‌باشند.

بنا بر نوشته‌های اوستایی خاستگاه دانش پزشکی ایرانویج و اولین پزشکی که در این متون از وی یاد شده (ترتیه) است. در مورد ترتیه در کتاب اوستایی بُدَنَه‌چین آمده است: «زردشت پرسیده: ای اهورامزدا و ای خرد نیکوکار و آفریننده جهان جسمانی، در میان درمان‌کنندگان، نادانان، نیکبخان، ثروتمندان، زبایان، توانایان و پادشاهان پیشدانش،

«ایرانیان بر آن بودند که پزشک چیره‌دست باید کتاب بسیار بخواند؛ با کارکرد بدن به‌خوبی آشنا باشد؛ بیمار را به‌دقت معاینه کند؛ گیاهان را بشناسد؛ شیرین‌سخن باشد؛ با رنجوران از روی شکیبایی و مهر رفتار کند؛ بیمار را به‌پاکی و تدبیر و احتیاط درمان کند

کیست نخستین کس که بیماری را در خود بیماری در بند نه‌لاد؟ مرگ را در خود مرگ در بند نه‌لاد؟ شمشیر را در متن مردان دور نمود؟ تب سوزان را دور نمود؟» اهورامزدا پاسخ داد: «ترتیه پزشک از میان درمانگران، نادانان، نیکبخان، درخشندگان، توانایان و پادشاهان پیشدای نخستین کسی است که بیماری را در خود بیماری در بند نه‌لاد؛ مرگ را در خود مرگ در بند نه‌لاد؛ شمشیر چرخنده را از تن انسان دور نمود؛ تب سوزان را دور نمود.» باز مطابق متون کهن، «شهرپور» – ایزد موکل بر فلزات – کاردرجاری را برای درمان بیماری به ترتیه سپرد. کردیم.

پس از آن نام یک رشته از بیماری‌ها در کتاب

نظرها و اندیشه‌ها

وندیداد می‌آید که بعضی از آنها معادل امروزی دارند و بعضی را نمی‌توان حدس زد. در این متن، گیاهان دارویی درمانگر نیز ذکر می‌شوند. در کنار این داروها، اهورامزدا از درمان بیماری‌های جسم و تن انسان‌ها با ادویه و گفتار مقدس صحبت می‌کند. بنا بر متن اوستایی «هوسپارم‌نَسک»، اهورامزدا برای خواباندن هر ناخوشی، دست کم یک گیاه آفریده است.

بنا بر کتاب دینکرت که متنی به زبان پهلوی است، سلامت بر دو نوع است: سلامت تن و سلامت جان، و پزشک بر دو دسته است، پزشک تن و پزشک جان (روح). به پنج وسیله می‌توان بیماران را درمان کرد: کلام مقدس، شکیبایی و مهربانی رفتار کند؛ بیمار را به پاکی و تدبیر و

علم در ایران باستان

دکتر منیژه مشیری



آتش، گیاهان، کارد و داغ. مقصود از «داغ» گویا دود دادن عضو بیمار با برخی گیاهان معطر باشد. همچنین مقصود از «اکلام مقدس»، اوراد و ادویه است که یکی از مؤثرترین روشهای درمان به شمار می‌آمده است.

در دوران باستان بین امراض جسمانی و مشکلات روحی (مانند جهل، مکر، خشم، غرور، کبر، شهوت‌رانی و غیره) پیوند قائل بودند و آنها را نیز باعث رنجوری تن می‌دانستند. به همین ترتیب مشکلات جسمانی (مانند خشکی، سردی، تعفن، فساد، جوع، عطش، پیری و رنج) را از علل بیماری می‌دانستند و ۲۳۳ گونه بیماری انسانی تشخیص داده بودند. ایرانیان از روزگاران کهن خواص گیاهان شفابخش را می‌دانستند و برای برخی بیماریان، از کوشش شفابخش‌ها استفاده می‌کردند. در پاره‌ای موارد نیز

آنها با بهداشت به عنوان راهی برای پیشگیری از بیماری‌ها آتشنا بودند و برای جداکردن فرد مشکوک به آلودگی و بیماری از سسایرین (یعنی آنچه امروزه فرماندار یک استان (ژندپنت) چهار گاو نر بود، برای درمان رئیس یک خانواده (مان‌پات)، که گاو ازان‌اقیمت بود. به پزشک به عنوان مستمزد غلات تیکو، جامه زیبا، وجه نقد و اسب تندرو نیز می‌دادند. همچنین میزان مستمزد به این بستگی

داشت که پزشک عضوی از اعضای بدن یا همه بدن را معالجه کرده باشد. آنان همچنین بین مستمزد برای بلای عام (امراض فراگیر) و ناخوشی‌های غیر فراگیر تفاوت قائل بودند.

بنا بر گزارش‌های موجود پس از ظهور زردشت، یکی

از قدیمی‌ترین مکتب‌هایی که در مورد تندرستی و پزشکی پایه‌گذاری شد، مکتب «صد است» (آب آتش، خاک و باد) را صد سال پس از زردشت، به دست مودی به نام شَین (saena) پایه‌گذاری شد و از آن روی «صد نام گرفت که عمر بنیانگذارش صد سال بود و شیوه‌اش نیز صد نام بود پیدا کرد. به علاوه،

دو صدفر در آن پذیرفته شدند. در این مکتب به علوم پزشکی یونانی، مصری و سریانی نیز توجه داشتند. از حوزه‌های علمی دیگر گزارش‌هایی وجود دارد. یکی از آنها «الحیم دانشوران اکباتان» است که ۷۰۰ سال پیش از میلاد آغاز شد. روحانیانی که این

مکان را اداره می‌کردند، پزشک می بودند. در اینجا به دانش آموختگان پزشکی، پروانه کار می‌دادند.

پس از دوران مادها، در زمان هخامنشیان نیز از مراکز علمی دیگری گزارش‌هایی وجود دارند. دوران این مکتب‌ها ۶۰۰ تا ۴۰۰ پ.م است. پس از تصرف مصر در شهر «سایس» دستور تأسیس نخستین مدرسه طب را دادند که در آن، پزشکان، فرزانگان (فیلسوفان)، ستاره‌شناسان و ریاضیدانان تدریس می‌کردند. برخی از پزشکانی که در این مرکز تحصیل کرده بودند، کتاب‌های پزشکی ارزشمندی نوشته‌اند. به دستور داریوش مدرسه‌هایی برای آموختن علوم مختلف نظری و عملی آغاز به کار کردند؛ از این رو عصر هخامنشی یکی از درخشان‌ترین دوره‌های علمی ایران بوده است. فرمانروایان هخامنشی به‌ویژه به پزشکی و نجوم و ریاضی اهمیت می‌دادند. با حمله اسکندر این جنبه‌های علمی با به آتش کشیده شد و به تاراج رفت.

از جمله مراکز علمی دوران ساسانی می‌توان به «اریو

اردشیر» اشاره کرد. رئیس این مرکز یک شیرازی طرفدار مکتب نسوتی بود که اثرش خاصه در هند آوازه داشت. در این مرکز عده‌ای دانشمند گرد آمده و به پژوهش و تدریس دانش‌های گوناگون همچون پزشکی و نجوم مشغول بودند.

از دیرباز روش آموزش و پرورش بیشتر شفاهی و کلامی بود و دانش سینه به سینه نقل می‌شد و از این روی، همواره به یادگیری مهمی از یادگیری بوده است. در عصر ساسانی چون خط و نوشتار گسترش یافت، دانش یونانی، رومی، هندی و چینی و ترجمه تألیفات دانشمندان غیر ایرانی رواج پیدا کرد. عوامل چندی باعث شدند تا اثر کتاب‌های فرهنگ و تمدن و عامل نشر میراث فرهنگی مشرق زمین شود؛ به طوری که اردشیر – بنیانگذار دودمان ساسانی – کسلی را به هند و یونان و سایر نقاط فرستاد تا کتاب‌های پراکنده علمی را که در حمله اسکندر و دوران سلوکی و اشکانی از ایران خارج شده بود، گردآوری کنند و به ایران بازگردانند. این کتاب‌ها را که حدود ۸۰۰ نسخه بود، در حرمان به زبان پهلوی برگردانند. اردشیر کارشناسان و دانشمندانی را برای بازدید و نقشه‌برداری از مدارس بزرگ، به انطاکیه، اسکندریه و هند فرستاد تا بعد از بازگشتشان، دانشگاه طهمی را تأسیس کند.

با این اقدام، در حقیقت او بنیاد دانشگاه «گندی شاپور» را گذاشت. هرچند نتوانست در زمان حیاتش به انجام این کار نایل شود، به فرزندش، شاپور اول، گفت: «شاید تو در زمان فرمانروایات توانی کشورهای زیادی را بگشایی و خود را بلندآوازه گردانی؛ اما اگر می‌خواهی نام تو و دودمان آن پزشکی بود که هم مال دنیا را دوست داشت و هم به پزشک ایرانی دسترس نداشت، می‌توانست به پزشک آن پزشکی بود که در برای ثواب پزشک شده باشد. پس از آن پزشکی بود که هم مال دنیا را دوست داشت و هم به پزشک ایرانی دسترس نداشت، می‌گفتند. رئیس کل پزشکان کشور، «ایران درستی‌مند» می‌گفتند. رئیس کل پزشکان جسم و پزشکان روح را «زرتشت روتوم» می‌نامیدند که به احتمال این لقب مؤیدموبدان بود. مزد پزشکان: در کتاب وندیداد مستمزد پزشک و دامپزشک به تفصیل آمده است. میزان دستمزد پزشک، بنا به خدمت درمانی که برای هر طبقه‌ای انجام می‌داد، متفاوت بود؛ برای مثال مستمزد پزشک برای معالجه فرماندار یک استان (ژندپنت) چهار گاو نر بود، برای درمان رئیس یک خانواده (مان‌پات)، که گاو ازان‌اقیمت بود. به پزشک به عنوان مستمزد غلات تیکو، جامه زیبا، وجه نقد و اسب تندرو نیز می‌دادند. همچنین میزان دستمزد به این بستگی

نسبت کمال و زیبایی در مشارق‌الدراری

دکتر حسن بلخاری



در شرح بیت:

و وصف کمال فیک، احسن سوره و قومه‌ای، فی الخلق، من استمدت^۱ این‌فراض در این بیت کمال ذاتی حق را متجلی در جمال انسان می‌بیند و معتدل اگر زیبایی و قوام(یا تناسب) را با هم آورده آن را از ایه شریفه «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم» اخذ نموده است. به عبارت دیگر معنای مستتر در بیت این است که گرچه آدم که بنا به جلال جاری در قصیده تائیه» همان است که در مطالب فوق گفته شده و در جای‌جای متشارق نیز تکرار می‌شود؛ اما فراغی در شرح بیی دیگر از رساله تائیه نکات بسیار گرفتاری و شکر و تفاوت اصطلاحاتی چون حُسن، ملاحت، صباحت و جمال دارد که این نکات نیز شنیدنی است.

نفاوت میان حُسن، جمال، ملاحت و صباحت

مقدم بر بیان تفاوت میان معانی فوق، فراغی تأکید او بر زیبایی چنین است که: «چون بنیاد عشق بر مفارقت جمله حظوظ و احوال، بل مفارقت

دوشنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۹ - ۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ - ۲ نوامبر ۲۰۲۰ - سال نود و پنجم - شماره ۲۷۶۹۲

یک دانشگاه بین‌المللی به حساب می‌آمد. بعضی از استادان خارجی از سرزمین خود رانده و تا تبعید شده و به ایران پناه آورده بودند. جمعی از آنان فیلسوفان مدرسه آن بودند که به ایران پناهنده شدند. ایزیدور، هرمیاس، پرسپانیوس، راماسیوس، اولامپوس، سیپیلی سیوس و دیون ژن جمله این استادان بودند.

گفته‌اند شاپور اول در روز گشایش این دانشگاه گفت: «شمسیر ما شایستهٔ سرزمین‌ها را می‌گشاید و دانش ما اندیشه‌ها را تسخیر می‌کند.» به دستور او بر سردر دانشگاه نوشتند: «دش و هنر برتر از شمشیر و ثروت است.» وی اعلام کرد: «در گندی‌شاپور به روی همهٔ ملل‌دوزان گشوده است و همه کسانی که دوستدار دانشند، می‌توانند به اینجا بیایند.» به فرمان او همه محصلان مقرر می‌گرفتند تا با خطری آسوده به او درس بپردازند. حتی کسانی که کشورشان از زمان از دشمنان ایران بودند نیز از مقرری بهره‌مند می‌شدند.

گفته‌اند شاپور خود در جلسه گزینش استاد شرکت می‌کرد و با دانشمندان یا داوطبان استادی گفتگو می‌کرد. چنانچه افرادی برای استادی انتخاب می‌شدند، طی تشریفات خاصی، جامهٔ استادی می‌پوشانند که عبارت بود از ردایی بلند با آستین فراخ و حاشیه‌دوزی شده، در کتاب تاریخ‌الحکمای قطعی آمده کتابخانه گندی‌شاپور ۲۵۸ اتاق بزرگ داشت و در همه آنها کتاب‌هایی به پهلوی، سریانی، هندی و یونانی چیده شده بود. اودارد براون می‌نویسد: در تاریخ تمدن جهان، هیچ‌گاه نظیر کتابخانه این دانشگاه دیده نشده بود. در این دانشگاه، پزشکی، داروسازی، داروشناسی، دامپزشکی، ستاره‌شناسی، ریاضیات، حکمت، فلسفه، فقه، الهیات و موسیقی تدریس می‌شد. این دانشگاه، به‌ویژه در زمینه پزشکی و نجوم، به شکایات و پیشرفت‌های زیادی دست یافته بود.

زبان تدریس مرسوم در این دانشگاه، فارسی میانه یا پهلوی بود. دانشجوایی که از سرزمین‌های مختلف دیگر به جندی شاپور می‌آمدند، آن را فرا می‌گرفتند و کتاب‌های علمی نیز به این زبان ترجمه می‌شد. البته منابع هندی (شنسکریت)، یونانی و سریانی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. دانشگاه جندی‌شاپور پس از اقتراض ساسانیان با باقی ماند و در سده‌های نخستین اسلامی مرکز مهم علم طب و به شمار می‌رفت و سپس به بغداد انتقال یافت. آنچه امروزه از آن دانشگاه در خوزستان باقی مانده، ویرانه‌ای است در محلی که شش‌آباد نامیده می‌شود و بر سر راه شوش در زفول قرار دارد.

در این نوشتار به طور خلاصه موقعیت علوم، به‌ویژه پزشکی مورد بررسی قرار گرفت؛ اما تشکیلات که قدمت باستان‌شناسان در مکانی در ۵۶ کیلومتری زابل که آن را «شهر سوخته» می‌نامند و پیدا شدن مجسمه جراحی شده یک دختر و چشم مصنوعی یک زن در این مکان، حکایت از قدمت پنج‌هزار ساله علم پزشکی در این سرزمین کهن دارند. بنا به گفته مدیر کل میراث فرهنگی و گردشگری

*در دوران باستان بین امراض جسمانی و مشکلات روحی پیوند قائل بودند و آنها را نیز باعث رنجوری تن می‌دانستند؛ به خواص گیاهان شفافش آگاه بودند و برای این برخی بیماران، از روش «دارودرمانی» استفاده می‌کردند و در پاره‌ای موارد «کاردرمانی» (جراحی) می‌کردند

استان سیستان و بلوچستان، به‌تازگی نزدیک شهر سوخته محوطه‌های جدید دیگری نیز کشف شده است که قدمت آنها به بیش از پنج‌هزار سال قبل بازمی‌گردد. به این ترتیب به نظر می‌رسد در آینده باستان‌شناسان، با کاوش‌های بیشتر در این منطقه، مستثنای را عرضه و در بسیاری از موارد باورهای گذشته را دگرگون کنند.

سرچشمه‌ها:
– آموزگار، ژاله، تفصیلی، احمد، (ترجمان)، دینکرت، (کتاب پنجم)، معین، تهران، ۱۳۸۶.
– بهزادی، رفیه، (ترجم)، بندش هندی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۹.
– سپورداد، ابراهیم، بنشت‌ست، ج ۱، ۲، ظهوری، تهران، ۱۳۴۷.

– دادمستر، جیمز، مجموعه قوانین زردشت یا وندیداد اوستا، ترجمه مسیح جوان، انتشارات کتاب، تهران، ۱۳۴۸.
– رمسی، هاشم، (ترجم)، وندیداد، بهجت، تهران، ۱۳۴۵.
– فروسیوس، بهرام، فرهنگ پهلوی، چاپ دوم، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
– کرستینسن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ ششم، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۴۸.
– مشیری، حمزه‌روشن، تائیه، نوشته: تهران، ۱۳۹۷.
– موله، ماریان، ایران باستان، مترجم ژاله آموزگار، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.

– یهذفا، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد، تفصیلی، چشمه، تهران، ۱۳۴۲.

Bartholomae, Christian, Altiranisches Wörterbuch, Walter De Gruyter & Co., Berlin, 1961.



بیت، فراغی کمال را لازمه حقیقی ذات خود متجلی دانسته و آن را استقلال مطلق به خود و بی‌نیازی از غیر تعریف می‌کند. وی در شرح ویدگاه صاحب مشارق‌الدراری چون می‌گویم گفت که نعت کمال، ظهور است، نشان این کمال معناست که در بطن و ذات آن، تناسب و ملامت به تمامی مندرج است؛ زیرا اگر در متن جمال، تناسب به تمامی موجود نباشد، ظهور از حیث جزئی یا خلقی دارای تناسب و اعتدال کمتری است و همین سبب وجود قبح در ذات جمال می‌شود وجود چنین قبحی که از فقدان تناسب ناشی می‌شود مانع ظهور شی به جمال و کمال می‌شود. به عبارتی بنا بر تحلیل فراغی، نفس ظهور شی فی‌ذاته بیانگر کمال آن است؛ زیرا شی لباس وجود نمی‌پوشد مگر اینکه در ذات به کمال باشد. ظهور این کمال، جمال آن شی است.

بی‌نوشت‌ها:

۱. سوگند که صفت جلال تو که عذاب من می‌شود و من بهای آن صفت، جبریل و گواراست و کشته شدن در حضور او برآم خوش و خوگوار است.
ترجمه منظوم جامی:

دیگر به حق نعت جلالت کزو به من عذاب است و در زبانی تو که هر ملاحتی به واسطه او راز در جهانیان پدیدار می‌گردد و کمال می‌بخشد جامی:

دیگر به حق حسن تو که از هوای او سوگند به خستی که علقها به واسطه آن اسیر می‌شوند و مهر ماهر من به عشق تو که در آن خوری و دلت من بر برابر بزرگی و عزت تو نیگو آمد؛ جامی:

دیگر به حق حسن تو که از هوای او سوگند به حق تباری خدای تو که در دسترس دیده بیایی من بهپایان است و آن بساطت خود آن در تو دیدم؛ جامی:

دیگر به حق معنی در موارز حسن با او دقیق گشت ز درک بصیرتی



۱۲ ربیع الاول تولدی دوباره
«علی متقیان»



در وصف امام صادق (ع)
«دکتر سید جعفر شهیدی»



محمد (ص) و رسالت چند بعدی او
«دکتر علی شریعتی»

صفحه ۲

صفحه ۵

صفحه ۶



از نگاه مقام معظم رهبری

سه صحنه مهم زندگی پیامبر

خدای متعال به ما مسلمانان دستور داده است که از پیامبر تبعیت کنیم. این تبعیت، در همه چیز زندگی است. آن بزرگوار، نه فقط در گفتار خود، بلکه در رفتار خود، در هیأت زندگی خود، در چگونگی معاشرت خود با مردم و با خانواده، در برخوردش با دوستان، در معامله اش با دشمنان و بیگانگان، در رفتارش با ضعیفا و با اقویا، در همه چیز اسوه و الگوست.

جامعه اسلامی ما آن وقتی به معنای واقعی کلمه، جامعه اسلامی کامل است، که خود را بر رفتار پیامبر منطبق کند. اگر به طور صد در صد مثل رفتار آن حضرت عملی نیست - که نیست - لااقل شباهت به آن بزرگوار باشد. عکس جریان زندگی نبی اکرم بر زندگی ما حاکم نباشد؛ در آن خط حرکت نکنیم.

صحنه دعوت و جهاد

در سه صحنه از صحنه های مهم زندگی، جملات مختصری از آن بزرگوار عرض می کنم. البته در این باب کتاب های مفصل نوشته شده است و سخن طولانی تر و مبسوط تر از آن است که در گفتارهایی از این قبیل بشود حق آن را ادا کرد. از هر خرمن گلی، خوشه یی بادی چید؛ برای این که در ذهن ما یاد آن بزرگوار همیشه زنده باشد.

صحنه اول از زندگی پیامبر، صحنه دعوت و جهاد بود. کار مهم پیامبر خدا، دعوت به حق و حقیقت، و جهاد در راه این دعوت بود. در مقابل دنیای ظلمانی زمان خود، پیامبر اکرم دچار تشویش نشد.

چه آن روزی که در مکه تنها بود، یا جمع کوچکی از مسلمین او را احاطه کرده بودند و در مقابلش سران متکبر عرب، صنادید قریش و گردنکشان، با اخلاق های خشن و با دست های قدرتمند قرار گرفته بودند، و یا عامه مردمی که از معرفت نصیبی نبرده بودند، وحشت نکرد؛ سخن حق خود را گفت، تکرار کرد، تبیین کرد، روشن کرد، اهانت ها را تحمل کرد، سختی ها و رنج ها را به جان خرید، تا توانست جمع کثیری را مسلمان کند؛ و چه آن وقتی که حکومت اسلامی تشکیل داد و خود در موضع رئیس این حکومت، قدرت را به دست گرفت.

آن روز هم دشمنان و معارضان گوناگونی در مقابل پیامبر بودند. چه گروه های مسلح عرب - وحشی هایی که در بیابان های حجاز و یمامه، همه جا پراکنده بودند و دعوت اسلام باید آنها را اصلاح می کرد و آنها مقاومت می کردند - و چه پادشاهان بزرگ دنیای آن روز - دو ابر قدرت آن روز عالم؛ یعنی ایران و امپراتوری روم - که پیامبر نامه ها نوشت، مجادله ها کرد، سخن ها گفت، لشکرکشی ها کرد، سختی ها کشید، در محاصره اقتصادی افتاد؛ کار به جایی رسید که مردم مدینه گاهی دو روز و سه روز، نان برای خوردن پیدا نمی کردند.

تهدیدهای فراوان از همه طرف پیامبر را احاطه کرد. بعضی از مردم نگران می شدند، بعضی متزلزل می شدند، بعضی نق می زدند، بعضی پیامبر را به ملائمت و سازش تشویق می کردند؛ اما پیامبر در این صحنه دعوت و جهاد، یک لحظه دچار سستی نشد و با قدرت، جامعه اسلامی را پیش برد، تا به اوج عزت و قدرت رساند؛ و همان نظام و جامعه بود که به برکت ایستادگی پیامبر در میدان های نبرد و دعوت، در سالهای بعد توانست به قدرت اول دنیا تبدیل شود.

بقیه در صفحه ۲



سیمای پیامبر در اندیشه امام خمینی



و حجب دیگر، برای تشخیص کمال و هدایت به سوی آن، نیازمند «اسوه حسنه» است. به عقیده امام خمینی اسوه حسنه باید دارای ویژگی های ذیل باشد:

- ۱ - در کمال، جلال، جمال و همه صفات نامحدود و ظل اقدس الهی باشد تا بتواند از عالم و همه چیز برداشت صحیح داشته باشد؛
- ۲ - آراسته به نور، صهارت و سعادت باشد. قلبش نور حق باشد و جز حق در آن تصرف نکند.

بقیه در صفحه ۳

در نگرش انسان شناسی امام که برگرفته از اسلام است، انسان موجودی است که از نظر جسمی، ریشه در خاک دارد و از نظر روحی منشأش خداست و همانطور که قرآن می فرماید: «لقد خلقنا الانسان من سلاله من طین» و یا: «فاذا سوئته و نفخت فيه من روحي ففعوا له ساجدين». وجود دو بعد مادی و معنوی، همچنین اراده و اختیار در انسان باعث شده است که اولاً، انسان ذاتاً نامحدود و قابلیت تبدیل شدن به پست ترین موجودات و یا لیاقت رسیدن به عالیت ترین مقام در میان همه موجودات جهان هستی را دارا باشد و ثانیاً، به واسطه احتیاج به طبیعت، اشتغال به کثرت، دلبستگی به دنیا

می دانیم یکی از بهترین روش های تربیتی، روش الگویی است؛ زیرا تأثیر الگو در شکل گیری رفتار و منش تربیت شونده بسیار زیاد است. قرآن کریم از این شیوه استفاده نموده و با بیان و تکرار قصه ها و سرنوشت افراد، به معرفی انسان کامل و توصیف ویژگی های انسان ملکوتی، پرداخته است؛ امام خمینی (س) نیز با تاسی از قرآن، الگوی مناسب در طریق سعادت را چنین معرفی می کند: ما چون نبی اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - را هادی طریق یافتیم و او را واصل به تمام معارف می دانیم باید در سیر ملکوتی بی چون و چرا تبعیت او کنیم.

سه صحنه مهم زندگی پیامبر



که دشمن با همه عظمت، خودش را بر چشم و وجود انسان تحمیل می کند، و در همه حالات خدا را به یاد داشتن، خدا را فراموش نکردن، به خدا تکیه کردن، از خدا خواستن، این، آن درس بزرگ پیامبر به ماست.

انقلاب و تغییر ارزش ها

خدای متعال در همه صحنه ها به یاد پیامبر بود، و رسول اکرم در همه صحنه ها از خدا استمداد کرد. از خدا خواست و از غیر خدا ترسید و نهراسید. راز اصلی عبودیت پیامبر در مقابل خدا این است؛ هیچ قدرتی را در مقابل خدا به حساب نیاوردن، از او واهمه نکردن، راه خدا را به خاطر اهوائی دیگران قطع نکردن.

جامعه ما با درس گرفتن از این اخلاق نبوی، باید به یک جامعه اسلامی متغییر شود. انقلاب برای این نیست که کسانی بروند و کسان دیگری بیایند. انقلاب برای این است که ارزشها در جامعه تغییر کند؛ اعتبار و ارزش انسان به عبودیت خدا باشد؛ انسان بنده خدا باشد، برای خدا کار کند، از خدا ترسد، از غیر خدا ترسد، از خدا بخواهد، در راه خدا کار و تلاش کند، در آیات خدا تدبیر کند، عالم را درست بشناسد، کمر به اصلاح مفاسد جهانی و بشری ببندد و از خود شروع کند؛ هر کدام ما از خودمان شروع کنیم.

منبع: شخصیت و سیره معصومین (ع) در نگاه مقام معظم رهبری

جبروت. با این که پیامبر هیبت الهی و طبیعی داشت و در حضور او مردم دست و پای خودشان را گم می کردند، اما او با مردم ملاطفت و خوش اخلاقی می کرد. وقتی در جمعی نشست بود، شناخته نمی شد که او پیامبر و فرمانده و بزرگ این جمعیت است. مدیریت اجتماعی و نظامی او در حد اعلی بود و به همه کار سر می کشید. البته جامعه، جامعه کوچکی بود؛ مدینه بود و اطراف مدینه، بعد هم مکه و یکی دوشهر دیگر؛ اما به کار مردم اهتمام داشت و منظم و مرتب بود. در آن جامعه بسدوی، مدیریت و دفتر و حساب و محاسبه و تشویق و تنبیه را در میان مردم باب کرد. این هم زندگی معاشرتی پیامبر بود که باید برای همه ما - هم برای مسؤولان کشور، هم برای آحاد مردم - اسوه و الگو باشد.

صحنه ذکر و عبادت الهی

و بالاخره صحنه سوم از زندگی پیامبر، ذکر و عبادت الهی آن حضرت بود. پیامبر با آن مقام و با آن شأن و عظمت، از عبادت خود غافل نمی شد. نیمه شب می گریست و دعا و استغفار می کرد. ام سلمه یک شب دید پیامبر نیست؛ رفت دید مشغول دعا کردن است و اشک می ریزد و استغفار می کند و عرض می کند: «اللهم ولا تکنلی الی نفسی طرفه عین». ام سلمه گریه اش گرفت. پیامبر از گریه او برگشت و گفت: این جاشه می کنی؟ عرض کرد: یا رسول الله، تو که خدای متعال این قدر عزیزت می دارد و گناهانت را آمرزیده است (یعنی لک الله ما تقدس من ذنبک وما تاخر) چرا گریه می کنی و می گویی خدایا ما را به خودمان وانگذار؟ فرمود: «اوما یؤمننی؟» اگر از خدا غافل بشوم، چه چیزی من را نگه خواهد داشت.

این برای ما درس است. در روز عزت، در روز ذلت، در روز سختی، در روز راحتی، در روزی که دشمن انسان را محاصره کرده است، در روزی

بعد از فتح طائف، غنایم زیادی به دست پیامبر رسید و او آنها را بین مسلمین تقسیم می کرد. عده ای از مسلمانان ایمان های راسخ داشتند که آنها کنار بودند؛ عده ای از مسلمانان و قبایل اطراف مکه و طائف بودند که بر سر پیامبر ریختند و غنیمت خواستند؛ پیامبر را اذیت کردند، محاصره کردند؛ پیامبر می داد، می گرفتند؛ اما باز می خواستند! کار به جایی رسید که عبا ی روی دوش پیامبر هم به دست این عرب های تازه مسلمان ناهموار و خشن افتاد. اینجا هم که در اوج عزت و قدرت بود، پیامبر باز با مردم با همان رفق، با همان مدارا و با همان خوشرویی رفتار کرد. با خوش اخلاقی و خوش خلقی صدایش را بلند کرد و گفت: «ایها الناس ردوا علی یردی؛ ای مردم، عبا یم را به من برگردانید!» این، وضع معاشرت پیامبر با مردم بود.

پیامبر با غلامان نشست و برخاست می کرد و با آنها غذا می خورد. او بر روی زمین نشسته بود و با عده ای از مردمان فقیر غذا می خورد. زن بیایان نشینی عبور کرد و با تعجب پرسید: یا رسول الله، تو مثل بندگان غذا می خوری؟! پیامبر تبسمی کردند و فرمودند: «ویحک ای عبد اعبد منی؛ از من بنده تر کیست؟»

او لباس ساده می پوشید. هر غذایی که در مقابل او بود و فراهم می شد، می خورد؛ غذای خاصی نمی خواست؛ غذایی را به عنوان نامطلوب رد نمی کرد.

در همه تاریخ بشریت، این خلیقات بی نظیر است. در عین معاشرت، او در کمال نظافت و طهارت ظاهری و معنوی بود، که عبدالله بن عمر گفت: «ما رایت احدا اجد ولا انجد ولا اشجع ولا اواضا من رسول الله»؛ از او بخشنده تر و یاری کننده تر و شجاعتر و درخشانتر کسی را ندیدم. این، رفتار پیامبر با مردم بود؛ معاشرت انسانی، معاشرت حسن، معاشرت مانند خود مردم، بدون تکبر، بدون

ادامه از صفحه ۱

صحنه رفتار با مردم

صحنه دوم از زندگی پیامبر، رفتار آن حضرت با مردم بسود. هرگز خلق و خوی مردمی و محبت و رفق به مردم و سعی در استقرار عدالت در میان مردم را فراموش نکرد؛ مانند خود مردم و متن مردم زندگی کرد؛ با آنها نشست و برخاست کرد؛ با غلامان و طبقات پایین جامعه، دوستی و رفاقت کرد؛ با آنها غذا می خورد؛ با آنها می نشست؛ با آنها محبت و مدارا می کرد.

قدرت، او را عوض نکرد؛ ثروت ملی، او را تغییر نداد؛ رفتار او در دوران سختی و در دورانی که سختی برطرف شده بود، فرقی نکرد؛ در همه حال با مردم و از مردم بود؛ رفق به مردم می کرد و برای مردم عدالت می خواست.

در جنگ خندق، وقتی که مسلمین در مدینه از همه طرف تقریباً محاصره بودند و غذا به مدینه نمی آمد و آذوقه مردم تمام شده بود، به طوری که گاهی دو روز، سه روز کسی غذا گیرش نمی آمد که بخورد؛ در همان حال پیامبر اکرم خودش در خندق کندن در برابر دشمن، با مردم مشارکت می کرد و مانند مردم گرسنگی می کشید.

در روایت دارد، فاطمه زهرا (س) که برای حسن و حسین - که کودکان خردسالی بودند - مقداری آرد دست و پا کرده بود و نان مختصری پخته بود، دلش نیامد که پدر خود را گرسنه بگذارد. تکه ای از آن نانی که برای بچه ها پخته بود، برای پدرش برد. پیامبر فرمود: دخترم، از کجا آورده ای؟ گفت: مال بچه هاست. پیامبر لقمه ای در دهانش گذاشتند و خوردند.

طبق روایت - که گمان می کنم سند روایت هم سند معتبر است - پیامبر فرمود: من سه روز است که هیچ چیز نخورده ام؛ بنابراین، او مثل خود مردم و در کنار مردم بود و با آنها رفق و مدارا می کرد. چه در این حالت، و چه در دورانی که سختی ها برطرف شده بود، مکه فتح شده بود، دشمنان منکوب شده، بودند و همه سر جای خود نشسته بودند.

پس از قرن چهارم میلادی و از زمانی که امپراطوران روم به مسیحیت گرویدند و عقاید کلیسا را به عنوان آرا و عقاید رسمی ترویج کردند، بنای مخالفت را با حوزه های فکری و علمی آزاد گذاشتند تا این که سرانجام ژولتی نین، امپراتور روم شرقی در سال ۵۲۹ میلاد مسیح (قرن ششم میلادی) دستور تعطیلی دانشگاه ها و بستن مدارس و مراکز علمی را صادر کرد و دانشمندان از بیم جان متواری شدند و چراغ علم و فلسفه در قلمرو امپراتوری روم خاموش شد.

درست در همین زمان بود، قرن ششم میلادی و مقارن با خاموشی چراغ علم و دانش در روم که بزرگترین حادثه تاریخ به وقوع پیوست و شبه جزیره عربستان شاهد بعثت بهترین مخلوق خداوند، محمد امین (ص) شد که در نخستین گام به فراگیری علم و دانش فراخوانده شد: «بخوان به نام پروردگارت که آفریدت» و سپس پیروان خود را به آموختن علم و دانش از آغاز تا پایان زندگی با روایت «اطلب العلم من المهد الی اللحد» فراخواند.

... به راستی می توان گفت که محمد را این چنین «باید از نو دید» و «از نو شناخت». او را با نگاهی که اشیا و اشخاص را می نگریم نباید نگریم؛ باید از روان شناسی، جامعه شناسی و تاریخ، نگاهی تازه ساخت و بر سیمای محمد (ص) افکند.

او را باید در صف شخصیت های عظیم تاریخ، قیصران و حکیمان و انبیا دید. در جمع پیامبران بزرگ نشاند و تماشایش کرد. در این هنگام است که تصویر او در چشم ما چنان شگفت و توصیف ناپذیر می نماید که گویی هرگز او را

دارد، خوب می شناسند و به چشم می بینند، پاسخ می دهند که: «تو برادری بزرگوار و برادرزاده ای بزرگوار!» و آنگاه با آهنگی که از گذشت و مهربانی گرم شده است، می گوید: «بروید، همگی آزادید.»

آری، حضرت محمد (ص) پس از آن که به بعثت برانگیخته شد، اولین کسی که به وی ایمان آورد، حضرت علی (ع) بود. علی بود که با وی همپیمان شد و از آن پس همه لحظات عمر را در این پیمان و پیوند نهاد و در پرستش خداوند و وفای محمد و دوستی خلق و پارسایی روح، آیتی شگفت شد و با صدها رشته پنهان و پیدا با روح و اندیشه و قلب محمد پیوند یافت.

پیغمبر که تاریخ آن همه از اراده و تصمیم و قدرتش سخن می گوید و خسروان و قیصران و قدرتمندان حاکم بر جهان، آن همه از شمشیرش می هراسند و دشمن از شدت غضبش می لرزد، در عین حال مردی است سخت عاطفی، با دلی که از کمترین موج محبتی می تپد و روحی که از نوازش نرم دست صداقتی، صمیمیتی و لطفی به هیجان می آید، در خانه و خانواده نیز چنین است.

در بیرون، مرد رزم و سیاست و فرماندهی و قدرت و ابهت است و در خانه پدری مهربان، شوری نرمخوی و ساده و صمیمی... وی هرگز نمی گویند تا خود را مرموز و غیرعادی و موجودی عجیب و غریب در چشم ها بنمایاند، بلکه به عکس حتی به مادی بودن تظاهر می کرد. نه تنها از زبان قرآن می گوید که: «من بشری هستم به مانند شما و فقط به من وحی می شود.../ کفف ۱۱۰».

نمی کشد و یک روز که از کنار خانه وی می گذرد و از خاکستر مرد خبری نمی شود، می پرسد رفیق ما امروز سراغ ما نیامد؟ و چون می شنود که بیمار شده است به عیادتش می رود.

در اوج قدرت، در آن لحظه که سپاهیاناش مکه را، شهری که ۲۰ سال او و یارانش را شکنجه داده و آواره کرده است، اشغال کرده اند؛ بر مسند قدرت، اما در سیمای مهربان مسیح، کنار کعبه می ایستد و در حالی که ۱۰ هزار شمشیر تشنه انتقام از قریش در اطرافش برق می زنند و... می پرسد: «ای قریش فکر می کنید با شما چه خواهیم کرد؟...»

قریش که سیمای مسیح را در این موسایبی که اکنون سرنوشتشان را در دم شمشیر خویش

ندیده ایم و هرگز چنین تصویری را از مردی در جهان نمی شناخته ایم.

برای شناخت دقیق و تصویر کلی و تمام هر مذهبی، شناختن خدای آن، کتاب آن و پیغمبر آن ضروری است؛ و این روش ساده ترین، ممکن ترین و در عین حال علمی ترین و مطمئن ترین روش شناخت یک مذهب است. محمد ترکیبی از موسی و عیسی است. گاه او را در صحنه های مرگبار جنگ می بینیم که از شمشیرش خون می چکد و پیشاپیش یارانش که برای کشتن با کشته شدن بی قراری می کنند، می تازد و گاه وی را می بینیم که وقتی هر روز در رهگذرش مرد یهودی از بام خانه اش خاکستر بر سرش می ریزد و او نرمتر از مسیح، همچون بایزد، روی درهم

ادامه از صفحه ۱

امام خمینی در این مورد می‌فرماید:

«اینهايي که با قدم معرفت می‌روند بالا، تا برسند به آن جایی که ذات بتمامه - البته نه اینکه ذات، بلکه جلوه ذات - در قلب جلوه کند. نه در این قلب، آن قلبی که قرآن در آن وارد می‌شود، آن قلبی که مبدأ وحی است، آن قلبی را که جبرئیل را منزل می‌کند در آن قلب، آن جلوه ای که می‌شود، یک جلوه ای است که تمام جلوه ها را دارد، هم خودش اسم اعظم است، هم متجلی اسم اعظم، اسم اعظم خود اوست. «نَحْنُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» و اسم اعظم خود رسول‌الله است، اعظم اسماست در مقام تجلی.»

برای اقتدای به این اسوه حسنه و تبعیت از او لازم است راه و روش او را بشناسیم. امام خمینی با استناد به فرمایش رسول‌الله(ص)، یعنی: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا»؛ راه رستگار شدن از نگاه پیامبر اسلام(ص) را توحید معرفی می‌کند و می‌فرماید: پیغمبر اسلام می‌خواست در تمام دنیا وحدت کلمه ایجاد کند. می‌خواست تمام ممالک دنیا را تحت یک کلمه توحید قرار بدهد. اصل توحید به ما می‌آموزد که انسان، تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد.

بر این اساس، هیچ انسانی هم حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند و جامعه و ملتی را از آزادی محروم نماید. برای او قانون وضع کند، رفتار او را بنا به درک و شناخت ناقص خود و یا بنا به خواسته ها و امیال خویش تنظیم نماید و همچنان که قوانین هستی و خلقت را خداوند مقرر فرموده، قانونگذاری برای پیشرفت ها نیز در اختیار خدای تعالی است و سعادت و کمال انسان ها و جوامع در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیا به بشر ابلاغ شده و انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایر انسانهاست.

بنابراین، انبیاء ماموریت دارند تا آن راههایی که بشر نمی‌داند و آن حقایقی را که نمی‌شناسند، به آنها تعلیم دهند و مردم را از راه خلاف، شقاوت و ضلالت نجات داده و آنها را از حزب شیطان به حزب الله وارد کنند. امام خمینی(س) در این مورد می‌فرماید:

ایده توحید با ابعاد رفیع آن اساس خلقت و غایت آن در پهنای وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است که در مکتب محمدی - صلی الله علیه وآله - به تمام معنی و درجات و ابعاد متجلی شد و راهیایی به کمال مطلق و جلال و جمال بی نهایت جز با آن میسر نگردد. و همچنین می‌فرماید: سیر الی الله همان سیره و روش انبیا و پیغمبر - صلی الله علیه وآله وسلم - و ائمه معصومین - علیهم السلام - است.

اینک فرازهایی از الگوهای رفتاری و سیره عملی آن حضرت را با قلم ناتوان خویش ارائه می‌دهیم تا راهگشای دل‌باختگانش باشد:

عبودیت

یکی از آداب قلبیه و وظایف باطنیه، توجه به عزّ ربوبیت و ذل عبودیت است، کمال و نقص انسانیت تابع کمال و نقص این امر است. امام صادق - علیه السلام - می‌فرماید: «العبودية جوهره کنها الربوبية، فما فُقد من العبودية وجد فی الربوبية و ماخفی من الربوبية أصیب فی العبودية»؛ بنابراین، طریق وصول به حقایق ربوبیت، سیر در مدارج عبودیت است و آنچه در عبودیت از انیت و انانیت مفقود شود، در ظل حمایت ربوبیت آن را می‌یابد، تا به مقامی رسد که حق تعالی سمع و بصر، دست و پای او شود.

به عقیده امام خمینی، عبودیت مطلقه از اعلی مراتب کمال و ارفع مقامات انسانیت است که جز اکمل خلق الله محمد - صلی الله علیه وآله - بالا صاله و دیگر اولیای کمل بالاتباع کسی دیگر را از آن نصیبی نیست؛ جز با قدم عبودیت نتوان به معراج حقیقی مطلق رسید و لهذا در آیه شریفه می‌فرماید: «سبحان الذی اسرى بعبده»، قدم عبودیت و جذب ربوبیت آن ذات مقدس را به معراج قرب و وصول سیر داد و همچنین در تشهد نماز، توجه به عبودیت قبل از توجه به رسالت، ممکن است اشاره به آن باشد که مقام رسالت نیز در نتیجه جوهره عبودیت است.

باید دانست که انسان به طور فطری در محضر خداوند، کوچک و خوفناک است حتی اگر در خود قصوری نبیند و خود را خدمتگزار ببیند، شاید به همین دلیل است که اشرف ممکنات و اعرف خلق الله و اقرب الی الله، رسول خاتم - صلی الله علیه وآله - می‌فرماید: «ما عبد ناک حق عبادتک و ما عرفناک حق معرفتک». و همچنین ائمه هدی - علیهم السلام - و انبیای عظام در مناجات خود تمنای فضل را داشته‌اند و از عدل و مناقشه در حساب خوفناک بودند؛ چنانچه امام سجاد - علیه السلام - در دعای ابو حمزه ثمالی می‌فرماید: «لَسْتُ أَتُكَلِّفُ فِي النِّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ»؛ و یا در مناجات عارفین می‌فرماید: «و لا یلعب مبلغا من طاعتک و ان اجتهد الا کان مقصرا دون استحقاقک بفضلک فأشکر عبادک عاجز عن شکرک و أعبدکم مقصر عن طاعتک». از اینروست که امام خمینی می‌فرماید: «آنی که آنها فهمیدند از عظمت خدا، آنها را وادار کرده است آن طور راز و نیاز کنند و اعتراف به تقصیر.»

و همچنین می‌فرماید: «رسول خدا که علی مرتضی و جمیع ما سوی الله بنده درگاه اویند و

هر چه غیر حق است حجاب انسان و خار طریق او به سوی خداست که طالب وصول به لقاء الله باید آنرا از میان بردارد، به همین دلیل است که اهمیت ساده زیستی و یا به تعبیر امام کوخ نشینی روشن می‌شود. ایشان می‌فرماید: خوی کاخ نشینی مضر است، خودش مضر نیست، خویش مضر است، لکن خود او، این خوی را دنبال دارد.

پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله - تبلور کامل زهد است؛ زیرا او موفق به رفع همه حجاب ها شد، به طوری که در شب معراج به مقام «قاب قوسین أو أدنی» رسید. به همین دلیل است که شیوه زندگی پیامبر ساده و عادی، بلکه پایین تر از عادی بود. او مثل فقرا زندگی می‌کرد. خانه اش اتاقی گلی در مسجد و سلوکش با ملت به گونه ای بود که وقتی در مسجد با همراهانشان می‌نشستند، کسی تشخیص نمی‌داد کدامیک پیامبر است.

رسول خدا هرگز از بیت المال به نفع خویش تصرفی نمی‌کرد و علاقه وافری به انفاق در راه خدا داشت. آنقدر به فقرا رسیدگی می‌کرد که همه مردم از ذکرش عاجزند. با وجود علاقه شدید به فاطمه زهرا - سلام الله علیها - نه تنها سختیایی که دخترش



سیمای پیامبر در اندیشه امام خمینی

ذره‌خور خوان نعمت معارفش هستند و متعلم به تعلیم او هستند، انطور قیام به امر می‌کند. پس از خلعت نبوت ختمیه، که تمام سیر دایره کمال و لبه اخراجی معرفت و توحید است، ده سال در کوه حرا برپا می‌ایستد و قیام به اطاعت می‌کند تا آنکه قدمهای مبارکش ورم می‌کند و خدای تعالی بر او آیه می‌فرستد: «طه، ما انزلنا عليك القرآن لتشفی.»

ساده زیستی

یکی از ویژگی های اخلاقی که به آن اهمیت زیادی داده شده، «زهد» است. زهد در لغت یعنی، ترک شئ و اعراض، بی میلی و بی رغبتی از آن و یا قلیل و حقیر شمردن آن و نیز آمده است که زهد، عبارت از بی رغبتی و بی میلی است که نوعا با ترک و اعراض مقارن باشد. امام خمینی در اهمیت زهد می‌فرماید: در حدیث شریف است «اول الدین معرفته» [۱۳۸] و تمام اعمال قلبیه و افعال روحیه و جسدیه برای حصول این مقصد مقدس است و این مقصد حاصل نمی‌شود مگر با دو امر: یکی «اقبال» به سوی خدای تعالی و دیگر «ادبار» از غیر حق تعالی و اعراض از ماسوی.

پس اعراض از غیر حق مقدمه است برای وصول به جمال جمیل و استغراق در بحر معارف و توحید. بنابراین قلب انسان زاهد به دوستی دنیا و آنچه در آن است تعلق ندارد و زندگی دنیا را برای عبادت و پرستش خداوند دوست دارد. دل‌بستگی به

نقص عبودیت، کاملترین موجودات است.» به عقیده امام خمینی این طایفه همانطوری که برای حق تعالی متواضع اند، برای مظاهر جمال و جلال او نیز متواضع اند؛ زیرا تواضع برای اینان، ظل تواضع برای حق است. آنان علاوه بر تواضع، دارای مقام محبت نیز هستند و محبت به مظاهر حق - تابع محبت به حق- دارند.

به همین دلیل است که پیامبر اسلام که شخص اول و بنیانگذار اسلام و هدایت مردم بود، در صورت ظاهر با آنان فرقی نداشت و از مقام و منصب خود به نفع زندگی مادی استفاده نمی‌کردند. به حرفهای مردم گوش می‌کردند، مانند آنها لباس می‌پوشیدند و با آنها معاشرت می‌کردند. در هدایت مردم برای او دوستان، سیاه و سفید، خویشان و دیگران تفاوتی نداشتند و با آنکه مقامش آن بود، ولی خدمتگزار مردم بود. امام خمینی در مورد تواضع آن حضرت می‌فرماید: رسول خدا - صلی الله علیه وآله - که ختم دایره نبوت به وجود شریفش شد، سلطان دنیا و آخرت و متصرف در تمام عوالم بود - باذن الله - تواضعش با بندگان خدا از همه کس بیشتر بود. کراهت داشت که اصحاب برای احترام او به پا خیزند. وقتی وارد مجلس می‌شد، پایین می‌نشست. روی زمین طعام میل می‌فرمود و روی زمین می‌نشست و می‌فرمود: بنده ای هستم که مثل شما می‌خورم و مثل شما می‌نشینم. از امام صادق - علیه السلام - نقل است که پیغمبر - صلی الله علیه وآله وسلم - دوست داشت بر الاغ بی پالان سوار شود و با بندگان خدا در جایگاه پست طعام میل فرماید و به فقرا به دو دست خود عطا فرماید.»

رأفت و عطوفت

اهل لغت و ادب «رأفت» را کمال رحمت و رقیقت تر از آن می‌دانند: «الرأفة أشد الرحمة». امام خمینی در تعریف رأفت می‌فرماید: رحمت از صفات نفس است در وجهه غیبیه ملکوتی آن و رأفت از صفات آن است در وجه ظاهره آن، که تعبیر از آن به مقام صدر توان کرد.

رحمت و رأفت و عطوفت و امثال آن از جلوه‌های اسماء جمالیه الهیه هستند که خداوند به حیوان و به خصوص انسان برای حفظ نوع و نظام عائله انسانی مرحمت فرموده اند و جلوه ای از رحمت رحمانیه اوست که نظام عالم وجود، مطلقا بر پایه آن نهاده شده است. اهل معرفت می‌فرمایند: بسط بساط وجود و کمال وجود به اسم رحمان و رحیم است. در قرآن نیز خداوند بیشتر با اسم رحمت خود را معرفی فرموده تا دل‌بستگی بندگان به رحمت واسعه آن ذات مقدس بیشتر شود؛ زیرا دل‌بستگی به رحمت حق منشأ تربیت نفوس و نرم شدن قلوب است.

باید دانست که با هیچ چیز مانند رحمت و رأفت و طرح دوستی و مودت نمی‌توان دل مردم را به دست آورد و آنها را از سرکشی و طغیان بازداشت. بنابراین، انبیاء عظام که مظاهر رحمت حق هستند، مظاهر کمال رأفت و عطوفت به بندگان خدا می‌باشند. شاید به همین دلیل است که خداوند در معرفتی رسول اکرم در سوره توبه - که خود سوره غضب است - می‌فرماید: «لقد جاء کم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنکم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم».

انبیا و اولیا راهها و عواقب آن را می‌شناختند و برای بشر غصه می‌خوردند که چرا بشری که باید فطرت سالم داشته باشد، دچار امراض مختلفی شده‌اند و خودشان را به عاقبت‌های بسیار بد می‌اندازند. انسان برای منافقین و کفار نیز غصه می‌خوردند و برای نجات مردم جانفشانی می‌کردند و حتی یک روز و شبان و یک ساعتشان برای خودشان نبوده و همه توجه به این بوده است که این مریض ها را نجات بدهند.

امام خمینی در مورد رأفت و عطوفت پیامبر می‌فرماید: «تأسف به حال کفار و جاحدین حق و علاقمندی به سعادت بندگان خدا کار را آنقدر به رسول خدا - صلی الله علیه و آله - تنگ کرده بود که خداوند او را تسلیت می‌دهد تا مبادا از شدت هم و حزن به حال این جاهلان بدبخت دل آن بزرگوار پاره شود و می‌فرماید: «لعنک بائع نفسک الا یکنوا مؤمنین.»

نویسنده: ف، مصباحی

تو را به حق مبعوث نمود؛ وقتی در آسمان چهارم کلیدها را تحویل می گرفتم، همین سخن را از فرشته دیگری شنیدم. ^(۱۲)

ابن سنان می گوید: امام صادق (ع) فرمود: مردی نزد پیامبر (ص) آمد، در حالی که آن حضرت روی حصیری نشسته بود که زبری آن بر بدن آن حضرت اثر گذاشته بود، و بر بالشی از لیف خرما تکیه نموده بود که بر گونه های گلگونه اش نفوذ کرده بود. آن مرد در حالی که جاهای اثر کرده را مسح می نمود، گفت: کسری و قیصر (پادشاهان ایران و روم) هرگز چنین راضی نمی شوند و بر حریر و دیبامی خوابند و تو (که سرور مخلوقات خدایی) بر این حصیر! پیامبر (ص) فرمود: به خدا من از آنها برتر و گرامی تر هستم. من کجا و دنیا کجا؟! مثال زورگذر بودن دنیا، مثال شخصی است که بدرختی سایه دار عبور می کند؛ لحظه هایی از سایه درخت استفاده می کند و وقتی سایه تمام شد، از آنجا کوچ می کند و درخت را رها می کند. ^(۱۵)

هیچ زمینه ای از زندگی پیامبر (ص) نیست، مگر این که امام صادق (ع) در آن زمینه سخنانی با ارزش دارد. در پایان، به ذکر خطبه ای از آن حضرت در توصیف پیامبر (ص) اکتفا می کنیم.

خطبه امام صادق در وصف پیامبر

برد باری، وقار و مهربانی خدا سبب شد تا گناهان بزرگ و کارهای زشت مردم مانع نشود که دوست ترین و شریف ترین پیغمبرانش، یعنی محمد بن عبدالله (ص) را برای مردم برگزیند. محمد بن عبدالله در حریم عزت تولد یافت، در خاندان شرافت اقامت گزید، حسب و نسبش آلوده نگشت، صفاتش را دانشمندان بیان کردند و حکمایان در وصفش اندیشه نمودند. او پاکدامنی بی نظیر، هاشمی نسبی بی مانند و بی ماندی از اهل مکه بود. حیا صفت او بود و سخاوت طبیعتش بر متانت ها و اخلاق نبوت سرشته شده بود. اوصاف خویشتن داری های رسالت بر او مهر شده بود تا آنگاه که مقدرات و قضا و قدر الهی، عمر او را به پایان رسانید و حکم حتمی پروردگار، او را به سرانجامش منتهی ساخت. هر امتی، امت پس از خود را به آمدنش مژده داد. نسل به نسل از حضرت آدم تا پدر بزرگوارش، عبدالله، هر پدری او را به پدر دیگر تحویل داد. اصل و نسبش به ناپاکی آمیخته نشد و ولادت او با ازدواج نا مشروع پلید نگشت. ولادتش در بهترین طایفه، گرامی ترین نواده (بنی هاشم)، شریف ترین قبیله (فاطمه مخزومیه) و محفوظ ترین شکم باردار (آمنه دختر وهب) و امانت دارترین دامن بود.

خدا او را برگزید، پسندید و انتخاب کرد؛ سپس کلیدهای دانش و سرچشمه های حکمت را به او داد. او را مبعوث نمود تا رحمت بر بندگان و بهار جهانیان باشد.

خداوند کتابی را بر او نازل کرد که بیان و توضیح هر چیزی در آن است و آن را به لغت عربی، بدون هیچ انحرافی قرار داد، به امید این که مردم پرهیزکار شوند. آن را برای مردم بیان کرد و معارف آن را روشن ساخت و با آن، دینش را آشکار ساخت و واجباتی را لازم شمرد و حدودی را برای مردم وضع نمود و بیان کرد. آنها را برای مردم آشکار نمود و ایشان را آگاه ساخت. آن حضرت در آن امور، راهنمایی به سوی نجات و نشانه های هدایت به سوی خداست.

رسول خدا (ص) رسلش را تبلیغ کرد، مأموریتش را آشکار ساخت، بارهای سنگین نبوت را که به عهده گرفته بود، به منزل رسانید و به خاطر پرورگارش صبر کرد و در راهش جهاد نمود. بسا برنامه ها و انگیزه هایی که برای مردم پی ریزی نمود و مناره هایی که نشانه های آن را بر افراشت، برای امتش خیر خواهی کرد، و آنها را به سوی نجات و رستگاری فرا خواند و به یاد خدا تشویق و به راه هدایت دالت کرد، تا مردم پس از او گمراه نشوند. آن حضرت نسبت به مردم دلسوز و مهربان بود.

پی نوشت ها:

- ۱- حجر، آیه ۹. «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون»
- ۲- قلم، آیه ۴
- ۳- فتح، آیه ۲۹
- ۴- مصباح الشریعه، ترجمه زیمن العابدین کاظمی، ص ۱۲۶. «خلقنی الله من صفوه نوره...»
- ۵- جلاء العیون. ص ۱۱
- ۶- همان، ص ۳۱
- ۷- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۰۱
- ۸- مناقب، ج ۱، ص ۱۵۰
- ۹- سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۳۳
- ۱۰- بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۳۰
- ۱۱- هند بن ابی هاله، فرزند حضرت خدیجه (س) از شوهر قبلی اش بود که در خانه پیامبر اسلام رشد و نمو نمود.
- ۱۲- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۴۷۱۴۸
- ۱۳- حشر، آیه ۷
- ۱۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۵ و ۶
- ۱۵- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۶۶



پیامبر اکرم (ص) از نگاه امام صادق (ع)

رسا، مویش نه پیچیده و نه افتاده، رنگش سفید و روشن، پیشانی اش گشاده، ابروانش پرمو و کمائی و از هم گشاده بود... آن حضرت هنگام راه رفتن با وقار حرکت می کرد. وقتی به چیزی توجه می کرد، به طور عمیق به آن می نگریست. به مردم خیره نمی شد و به هر کس می رسید سلام می کرد. همواره هادی و راهنمای مردم بود. برای از دست دادن امور دنیایی خشمگین نمی شد. برای خدا چنان غضب می نمود که کسی او را نمی شناخت. اکثر خندیدن آن حضرت تبسم بود، برترین مردم نزد وی کسی بود که بیشتر موااسات و احسان و یاری مردم نماید... ^(۱۲)

سیاستمداری پیامبر (ص)

در عرف جهانی امروز «سیاست» را به معنای نیرنگ و دروغ برای کسب قدرت و سلطه بر مردم تعریف می کنند، اما «سیاست» در لغت به معنای «اداره کردن امور مملکت و حکومت کردن است». خداوند متعال، پیامبر خاتم (ص) و جانشینان بر حق او ائمه معصومین را از بهترین سیاستمداران شمرده است. در زیارت جامعه، در وصف ائمه علیهم السلام که پرورش یافتگان مکتب نبوت هستند، آمده است: «وإساسة العباد».

فضیل بن یسار می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که به بعضی از اصحاب قیس ماصر فرمود: خداوند عز و جل پیغمبرش را تربیت کرد و نیکو تربیت فرمود. چون تربیت او را تکمیل نمود، فرمود: «انک لعلی خلق عظیم: تو بر اخلاق عظیمی استواری». سپس امر دین و امت را به او واگذار نمود تا سیاست و اداره بندگان را به عهده بگیرد و سپس فرمود: «ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا» ^(۱۳) آنچه را رسول خدا برای شما آورد، بگیرید (و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرد، خودداری نمایید.

زهد و وارستگی

حضرت محمد (ص) هرگز نسبت به دنیا و لذایذ زودگذر آن میلی نشان نداد و به آن توجهی نکرد. آن حضرت برای هدایت مردم و رساندن آنها به سعادت دنیا و آخرت، وارد عرصه سیاست شد. امام صادق (ع) می فرماید: روزی رسول خدا در حالی که محزون بود، از منزل خارج شد. فرشته ای بر او نازل شد، در حالی که کلید گنج های زمین را به همراه داشت. فرشته گفت: ای محمد، این کلیدهای گنج های زمین است. پروردگارت می فرماید: این کلیدها را بگیر و در گنج های زمین را باز کن و آنچه می خواهی از آن استفاده نما. بدون این که نزد من ذره ای از آنها کم شود. پیامبر فرمود: دنیا خانه کسی است که خانه (واقعی) ندارد. کسانی دور آن جمع می شوند که عقل ندارند. فرشته گفت: به آن خدایی که

در طول تاریخ بشریت، کمتر انسانی وجود دارد که مانند پیامبر اسلام تمام خصوصیات زندگی اش به طور واضح و روشن بیان و ثبت شده باشد. خداوند متعال در قرآن کریم، کتابی که خود حافظ اوست ^(۱) و بدون هیچ تغییری تا قیامت باقی است، با زیباترین عبارات و کامل ترین بیانات، آن حضرت را معرفی نموده و با عالی ترین صفات ستوده است. خداوند متعال می فرماید: «انک لعلی خلق عظیم: ^(۲) ای پیامبر! تو بر اخلاقی عظیم استوار هستی». نیز می فرماید: «محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم: ^(۳) محمد (ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سر سخت و در میان خود مهربانند».

محققان، تاریخ نویسان و دانشمندان در ابعاد گوناگون زندگی حضرت محمد سخن گفته اند؛ اما ائمه علیهم السلام با نگاهی ژرف و دقیق سیمای آن شخصیت بی نظیر و در یکتای عالم خلقت را به تماشا نشسته، به معرفی زندگی، مبارزات و آموزه های آن حضرت پرداختند. در این نوشتار بر آنیم تا گوشه هایی از زندگی و شخصیت حضرت محمد (ص) را از نگاه امام صادق (ع) به تماشا بنشینیم.

تولد نور

امام صادق (ع) به نقل از سلمان فارسی فرمود: «پیامبر اکرم فرمود: خداوند متعال مرا از درخشندگی نور خودش آفرید». ^(۴) نیز امام صادق (ع) فرمود: خداوند متعال خطاب به رسول اکرم (ص) فرمود: «ای محمد! قبل از این که آسمان ها، زمین، عرش و دریا را خلق کنم، نور تو و علی را آفریدم...». ^(۵)

ثقه الاسلام کلینی (ره) می نویسد: امام صادق (ع) فرمود: «هنگام ولادت حضرت رسول اکرم، فاطمه بنت اسد نزد آمنه (مادر گرامی پیامبر) بود. یکی از آن دو به دیگری گفت: آیا می بینی آنچه را من می بینم؟ دیگری گفت: چه می بینی؟ او گفت: این نور ساطع که ما بین مشرق و مغرب را فرا گرفته است! در همین حال، ابوطالب (ع) وارد شد و به آنها گفت: چرا در شگفت اید؟ فاطمه بنت اسد ماجرا را به گفت. ابوطالب به او گفت: می خواهی بشارتی به تو بدهم؟ او گفت: آری. ابوطالب گفت: از تو فرزند بی وجود خواهد آمد که وصی این نوزاد خواهد بود». ^(۶)

نام های پیامبر

کلبی، از نسب شناسان بزرگ عرب می گوید: امام صادق (ع) از من پرسید: در قرآن چند نام از نام های پیامبر خاتم (ص) ذکر شده است؟ گفتم: دو یا سه نام. امام صادق (ع) فرمود: ده نام از نام های پیامبر اکرم در قرآن آمده است: محمد، احمد، عبدالله، طه، یس، نون، مزمل، مدثر، رسول و ذکر. سپس آن حضرت برای هر اسمی آیه ای تلاوت فرمود. نیز فرمود: «ذکر» یکی از نام های محمد (ص) است و ما (اهل بیت) «اهل ذکر» هستیم. کلبی! هر چه می خواهی از ما سؤال کن.

کلبی می گوید: (از ابهت صادق آل محمد (ع) به خدا سوگند! تمام قرآن را فراموش کردم و یک حرف به یاد نیامد تا سؤال کنم. ^(۷) برخی چهارصد نام و لقب پیامبر (ص) که در قرآن آمده است، را بر شمرده اند. ^(۸)

عظمت نام محمد (ص)

جلوه نام محمد (ص) برای امام صادق (ع) به گونه ای بود که هر گاه نام مبارک آن حضرت به میان می آمد، عظمت و کمال رسول خدا چنان در وی تأثیر می گذاشت که رنگ چهره اش گاهی سبز و گاهی زرد می شد؛ به طوری که آن حضرت در آن حال، برای دوستان نیز نا آشنا می نمود. ^(۹)

امام صادق (ع) گاهی بعد از شنیدن نام پیامبر (ص) می فرمود: جانم به فدایش! اباهارون می گوید: روزی به حضور امام صادق شرفیاب شدم. آن حضرت فرمود: اباهارون! چند روزی است که تو را ندیده ام. عرض کردم: خداوند متعال به من پسری عطا فرمود. آن حضرت فرمود: خدا او را برای تو مبارک گرداند؛ چه نامی برای او انتخاب کرده ای؟ گفتم: او را محمد نامیده ام. امام صادق تا نام محمد را شنید (به احترام آن حضرت) صورت مبارکش را به طرف زمین خم کرد و نزدیک بود گونه های مبارکش به زمین بخورد. آن حضرت زیر لب گفت: محمد، محمد، محمد. سپس فرمود: جان خودم، فرزندانم، پدرم و جمیع اهل زمین فدای رسول خدا باد! او را دشنام مده! کتک زن! بدی به او نرسان! بدان که در روی زمین خانه ای نیست که در آن نام محمد وجود داشته باشد، مگر این که آن خانه در تمام ایام مبارک خواهد بود. ^(۱۰)

سیمای محمد (ص)

امام جعفر صادق (ع) فرمود: امام حسن از دایی اش، «هند بن ابی هاله» ^(۱۱) که در توصیف چهره پیامبر مهارت داشت، درخواست نمود تا سیمای دل آرای خاتم پیامبران را برای وی توصیف نماید. هند بن ابی هاله در پاسخ گفت: «رسول خدا در دیده ها با عظمت می نمود، در سینه ها مهابتش وجود داشت. قامتش

جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، ششمین امام شیعیان، و پنجمین امام از نسل امیر المؤمنین (ع) است که کنیه او ابو عبد الله و لقب مشهورش «صادق» است. لقب های دیگری نیز دارد، از آن جمله: صابر، طاهر و فاضل. اما چون فقیهان و محدثان معاصر او که شیعه وی هم نبوده اند، حضرتش را به درستی حدیث و راستگویی در نقل روایت بدین لقب ستوده اند، به لقب صادق شهرت یافته است و گر نه امامی را که منصوب از طرف خدا و مخصوص از جانب امامان پیش از اوست، راستگو گفتن، آفتاب را به روشن وصف کردن است. که:

مدح تعریف است و تخریق حجاب فارغ است از شرح و تعریف آفتاب
مادح خورشید مداح خود است
که دو چشمش روشن و نامر مد است^(۱)

ابن حجر عسقلانی او را چنین وصف می کند: الهاشمی العلوی، ابو عبد الله المدني الصادق^(۲) و هم او نویسد که ابن حبان گویند در فقه و علم و فضیلت از سادات اهل بیت بود.^(۳)

ولادت او ماه ربیع الاول سال هشتاد و سوم از هجرت رسول خدا و در هفدهم آن ماه بوده است. اما بعض مورخان و تذکره نویسان ولادت حضرتش را در سال هشتادم از هجرت نوشته اند^(۴) و در ماه شوال سال صد و چهل و هشت هجری به دیدار پروردگار شتافت.^(۵) مدت زندگانی او شصت و پنج سال بوده است.^(۶)



در وصف امام صادق (ع)

ابن قتیبه نویسد: جعفر بن محمد، کنیه او ابو عبد الله است و جعفریه بدو منسوب اند و به سال یکصد و چهل و شش در مدینه درگذشت.^(۷)

از آغاز ولادت تا هنگام رحلت این امام بزرگوار، ده تن از امویان به نام های: عبد الملک پسر مروان، ولید پسر عبد الملک (ولید اول)، سلیمان

پسر عبد الملک، عمر پسر عبد العزیز، یزید پسر عبد الملک (یزید دوم)، هشام پسر عبد الملک، ولید پسر یزید (ولید دوم)، یزید پسر ولید (یزید سوم)، ابراهیم پسر ولید و مروان پسر محمد، و دو تن از عباسیان ابو العباس، عبد الله پسر محمد معروف به سفاح و ابو جعفر پسر محمد معروف به منصور بر حوزه اسلامی حکومت داشته اند.

پی نوشت ها:

- ۱- مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۸-۹
- ۲- تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۰۳
- ۳- همان، ص ۱۰۴
- ۴- کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۵۵
- ۵- کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۶۶
- ۶- ارشاد، ج ۲، ص ۱۷۴
- ۷- المعارف، ص ۲۱۵
- ۸- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷۲
- ۹- فروع کافی، ج ۴، ص ۴۲۸ کتاب حج

و موبدان و روحانیان رهایی یابند؛ اما در این زمان، مردم برخی از کشورهای اسلامی برای خلاصی از ستم حاکمان مستبد و عالمان متعصب، توشه مهاجرت بر دوش داشتند و روانه و راهی دیار غیر مسلمانی می شوند.

ما اگر تولد این کودک را بزرگ می شماریم و آن را گرامی می داریم، چون پیامش نجات بخش بود و رستگاری، او زاده گشت و بزرگ شد و مبعوث گشت تا رنج و فقر و فلاکت و ذلت و ستم و بی خردی را از میان مردم بردارد. نه این که به نام او بر مسند قدرت نشینند و رنج و اسارت و ذلت مسلمانان را افزایش دهند.

ایین تولد از این جهت مبارک است که مسلمانان در جهان عزت مند زندگی کنند. عزت نفس انسان برای پیامبر (ص) در درجه بالایی قرار داشت و فرمود: «اطلبوا الحوائج بعزة الأنفس» «حوائج و خواسته های خود را با عزت نفس طلب نمایید». در دیار مسلمانی، اگر انسانی یافت شود که زندگی را از راه غیر عزت نفس می جوید، باید پذیرفت که بخش مهمی از تعلیم اسلام مدفون گشته است.

درست است که باید برای این میلاد مبارک شادمان بود، اما در کنار آن باید گریست و زانوی غم در بغل داشت که چرا تعلیم آسمانی محمد بن عبدالله (ص) به دست مسلمانان تحریف و تضییع گشت و جوامع اسلامی از میانمار تا عراق و افغانستان و غیره، به خون و فقر نشستند. در پایان این سطور، نگاه دو تن از شاعران نامدار ایران را در باره این کودک که جهان را متحول ساخت می آورم. یکی سعدی که عاشقانه پیامبر خاتم را در قلب خود داشت:

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی
عشق محمد بس است و آل محمد
و دیگری مولوی که بزرگوارانه و عزتمندانه، رسول خدا را می ستود:
از درم ها نام شاهان برکنند
نام احمد تا ابد بر می زنند
نام احمد نام جمله انبیاست
چون که صد آمد، نود هم پیش ماست



میلاد رحمت

جست و آن نوع روابط انسانی که میان مردم بر اساس غنا و فقر و یا غلام برده وجود داشت و منجر به پرستش خدایان می شد، بر نمی تافت و با عقل فطری و سلیم خود نمی توانست آن هنجارهای جاهلی را برتابد. لهذا ایمان، اخلاق و عدالت، این سه واژه رهایی بخشی بود که روح آیین او را می ساخت.

درمندان باید گفت که در جهان امروز، از آیین این پیامبر بزرگ، شمشیری هراسناک ساخته اند و این شمشیر در دست برخی مسلمانان متعصب و جاهلی است که بر سر هم کیشان خود فرو می آورند.

در نتیجه اسلام هراسی را در جهان رواج داده اند. اسلامی که فرصت زیستن را برای همه بشریت فراهم ساخته و سایر ادیان و فرق و مذاهب را به رسمیت شناخته است، در این روزگار عرصه برای زیستن پاره ای از مسلمانان هم تنگ گشته است.

در آن روزگار، مردم خسته از حاکمان خود، از ایران و روم به آیین اسلام شتافتند و پیام محمد را پذیرا شدند تا از ستم شاهان و راهبان و کاهنان

فرامی خواند و انزل معهم الکتاب لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیهِ (بقره ۲۱۳)؛ «و سوم اضمحلال ظلم های انسانی و تحقق عدالت اجتماعی که جامعه را به دو قطب اشرافیت عرب و بردگی برده بود» (لقوم الناس بالقسط / حدید ۲۵). خدایی که او برای مردم گفت، خدای آمر به عدل و احسان بود (ان الله یامر بالعدل و الاحسان / نحل ۹۰). خدای دعوت کننده به صلح و دوستی (ان تبتوا و تتقوا و تصلحوا بین الناس / بقره ۲۲۴).

محمد (ص) پیام آور صلح و رحمت و رهایی بود. شعارش این: «والله یدعوا الی دار السلام» (یونس ۲۵). دریغا این که این پیام انسانی و الهی در چرخه روزگار به دست کسانی افتاد که از آن یا شریعتی خشک و بی روح ساختند و مسلمانان را از اخلاق و معنویت به دور داشتند و یا ابزار توجیه قدرت هایی کردند که مانند امویان و عباسیان در مسند قدرت به نام او نشسته بودند و در عمل، در تقابل با اخلاق و آیین او قرار گرفتند و برای بقای قدرت به هم کیشان خود، هیچ رحم و مروتی روا نداشتند.

محمد (ص) در دوران پیش از بعثت و از همان آوان کودکی، از آداب و رسوم قوم خود تبری

هر چند تاریخ ولادت پیامبر بزرگ اسلام، به طور دقیق در نزد مورخان روشن نیست؛ اما عموم مورخان بر آنند که این میلاد مبارک در ماه ربیع الاول اتفاق افتاده است. رابریان و ناقلان حدیث از جمله کلینی در کتاب کافی و شیخ صدوق در کتاب اکمال الدین، تاریخ تولد پیغمبر (ص) را روز دوازدهم ماه ربیع الاول دانسته و برخی تاریخ تولد این پیامبر گرامی را روز دوم ماه ربیع الاول، بعضی دیگر روز سوم، و یا روز هشتم، بعضی روز دهم و بیشتر روز دوازدهم دانسته اند. در میان مورخین و محدثین شیعه عده ای روز تولد پیغمبر (ص) را روز هفدهم ماه ربیع الاول نوشته اند.

در هر صورت در این ماه در شبه جزیره العرب و در میان دره های مکه، کودکی پا به عرصه وجود نهاد که باعث تحولی بزرگ، نه تنها در زادگاهش، که در پهنه جغرافیا و در تاریخ آیین و اندیشه و تمدن شد. و دو کشور پهناور آن دوران، یعنی ایران و روم را تحت الشعاع اندیشه و آیین خود قرار داد.

هر چند گرامیداشت این روز بزرگ برای مسلمین فرض است و مبارک؛ اما این گرامی داشت، تنها به خاطر تولد کودک در دره های خشک و دور از تمدن حجاز نیست؛ بلکه آن چیزی که این تولد را در تاریخ سرآمد و برجسته می نماید، برانگیخته شدن انسانی بود که برای بشریت پیامی جاویدان داشت و به تعبیر قرآن «رحمة للعالمین» بود. و ایین رحمت عام، در پرتو دستگاه اخلاقی و اعتقادی بی بود که از جانب خداوند برای بشریت عرضه نمود. و انسان ها را از پرتگاه سقوط و در لبه آتش (شفا حفرة من النار - آل عمران ۱۰۲) نجات داد.

می توان چنین وانمود کرد که این نوزاد نورانی در کنار دعوت به توحید، سه پیام گوهرین و دلنشین با خود آورد: نخست دعوت به دانش در کنار تربیت (یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة / جمعه آیه ۲) و فراخواندن عقل های فرو خفته انسان ها (لیثیروا لهم فدان العقول / نهج البلاغه)؛ دوم فرو کاستن واز بین بردن اختلافات کین توزانه ای که قرن ها در آن سرزمین آدمیان را به جنگ و کشتار



۱۲ ربیع الاول به روایت منابع اهل سنت و ۱۷ ربیع الاول به روایت منابع شیعی، روز تولد پیامبر خاتم علیهم صلوات الله است و به قول عمده منابع پس از هجرت شبانه، از مکه روز ورود پیامبر (ص) به یثرب است.

این دو واقعه در جهان هستی اثرات تکرارناشدنی داشت و هریک در جای خودشان از اهمیت والایی برخوردار است. در این مختصر در نظر است آثار این دو واقعه را بازگو کرده و هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه و آثار این هجرت در گسترش اسلام در زمان پیامبر (ص) را تولدی دوباره برای زندگی حضرت توصیف کنیم.

رسول خدا (ص) در سال «فیل» در خانواده‌ای به دنیا آمدند که در نه تنها در شهر مکه، بلکه در منطقه به وسعت آن روز شناخته شده بود.

جزو قبیله‌ای بودند که جد پنجمش «قصی بن کلاب» آنان را بزرگ مکه کرد و با ایجاد تحولاتی در شهر مکه، قوانین و مقرراتی گذاشت که شهر مکه رونق مضاعف گرفت و تسهیلاتی برای حج گزاران در نظر گرفت که موجب حضور بیشتر و آسایش آنان شد. از جمله خدمات ماندگار قصی در مکه، سنت «سقای» (آب رسانی) و «رفادت» (غذارسازی) و بازسازی کعبه و شهر مکه بود و آنقدر در شهر مکه اعتبار داشت و آثار مثبتی بجای گذاشت که قبل از سال فیل، سال وفات قصی در سال شماری مردم مکه، همه ساله تکرار می‌شد.

پیامبر (ص) هر چند در زمان تولدشان، پدر را از دست داده بودند (عبدالله در سفر تجاری در شهر یثرب به رحمت الهی پیوست) و موفق به دیدار فرزندش نشد اما پدر بزرگش، عبدالمطلب که در آن زمان بزرگی مکه را بر عهده داشت، پیامبر (ص) را بزرگ داشت و در نهایت احترام، از این نورسیده‌ای (که تحولی در جهان پدید آورد) و مادرش پذیرایی کرد.

در روز هفتم تولد برایش قربانی کرد و نامش را «محمد» نهاد که در زمین و آسمان ستوده باشد. نامی که در عربستان شهره و آشنا نبود.

ایشان را را به رسم آن زمان بدست دایه سپرد. رسم این بود که به دلیل هوای آلوده مکه، توانمندان برای حفظ سلامتی، کودکان خود را به دایگان می‌سپردند که آنان را در هوایی پاک نگهداری کنند. دلیل این ادعا، سخنان حلیمه سعیدیه دایه محترمه پیامبر (ص) است. وقتی پس از دو سال فرزند را برای دیدن مادر و پایان ماموریت شیردهی آورده بود، از آمنه مادر حضرت و عبدالمطلب پدر بزرگش که مسئولیت نگهداری اش را به عهده داشت، درخواستش ایسن بود که از هوای آلوده مکه برای این کودک بابرکت خوف دارم و اجازه خواست که حضرت را با خود ببرد که موفق شد یکسال و اندی دیگر توفیق نگهداری حضرت را داشته باشد.

حضرت بارها خاطرات کودکی شان و نحوه آموختن زبان صحیح عربی در بادیه نزد طایفه حلیمه و همراهی با برادران ناتنی شان را تعریف کرده‌اند. این کودک با برکت، با داشتن کمتر از ۴ سال سن به مکه بازگردانده شد و عبدالمطلب ایشان را گرمای می‌داشت و برخلاف سنت‌های آن زمان، حتی در مراسم رسمی، حضرت را روی پای خود می‌نشاند و به این فرزندش افتخار می‌کرد. غرض از نقل این واقعه احترامی است که عبدالمطلب در مقابل چشم مردم مکه به فرزندش می‌گذاشت و همه مردم مکه این احترام و عزت را شاهد بودند و اعتبار این فرزند نزد بزرگ مکه را می‌دانستند.

آن طور که اغلب منابع نوشته‌اند؛ پیامبر (ص) در هفت سالگی به همراه مادرشان برای دیدار با اقوام و زیارت قبر پدر، عازم یثرب شدند و در بازگشت در محلی به نام «ابوا» مادر را نیز از دست داد و دو سال بعد عبدالمطلب را! گویا قرار است این فرزند مبارک از کودکی همه مشکلات بویژه یتیمی را تجربه کرده و آبدیده شود.

براساس وصیت عبدالمطلب، سرپرستی حضرت به عموش ابوطالب واگذار شد و این مرد بزرگ تا سال هشتم بعثت که تسلیم حق شد و عمرش به پایان رسید، به شایستگی از پیامبر نگهداری کرد و جای پدر بزرگ را گرفت. آنچه مورخین پیرامون وقایع ولادت پیامبر (ص)

نوشته‌اند، اتفاقاتی است که بعدها با تطبیق زمان وقوع با ایام ولادت حضرت، به زمان میلاد حضرت نسبت داده‌اند. از جمله این وقایع می‌توان به خاموش شدن آتشکده فارس (بقایای این آتشکده در فیروزآباد موجود است)، خشک شدن دریاچه ساوه (که آثاری از آن موجود نیست) و ترک برداشتن کنگره‌های طاق بستان در مدائن (که آثار آن قابل مشاهده است) و خواب انوشیروان (که در منابع تاریخی آمده) اشاره کرد. این‌ها وقایع طبیعی است که با میلاد حضرت بوقوع پیوسته و بعدها زمان و مکانش با هم تطبیق داده شده است. اما آثار تولد دوباره حضرت که با هجرتش از مکه به مدینه رقم خورد، کاملاً مشهود و غیرقابل انکار است و آثار آن بعد از ۱۴ قرن قابل

بشمار می‌روند و مژده‌ای است برای نجات همه انسانها بویژه این سه قشر.

پس از دعوت همگانی که بعد از دعوت فامیلی انجام شد و روزیروز بر تعداد مسلمانان از جمله جوانان و غلامان و زنان افزوده می‌شد و شخصیت نیروی کار مجانی سرمایه‌سالاران با پذیرش دین شکل گرفت، سرمایه‌سالاران مکه که منافع خویش را با وجود دعوت‌های پیامبر به خطر دیدند و مشاهده کردند این دین مورد استقبال جوانان و غلامان و زنان و بردگان (که نیروهای مجانی کار در خدمت سرمایه‌سالاران بودند) قرار گرفت و منافع تجاری و مادی آنان به خطر افتاد! به مخالفت با پیامبر (ص) پرداختند و هر شکنجه و آزار و اذیتی که در توان



مشاهده و اثبات شدنی است. پیامبر (ص) ۱۳ سال در مکه تلاش کرد. شهری که در آن بدنیا آمده بود. همه مردم مکه، بلکه منطقه، اجدادش را می‌شناسند و از این خانواده به شایستگی نام می‌برند. خودشان امین بودند و مورد قبول و امانت‌دار مردم. کسی نبود که ایشان را صادق و درستکار و امین نداند. چنین شخصیتی از جانب خداوند مبعوث می‌شود و تمام توانش را برای هدایت مردم مکه بکار می‌گیرد.

در سه سال اول بعثت، قبل از عمومی شدن دعوتش، در مکه زندگی می‌کند. به همراه مسلمانان اولیه نماز جماعت می‌خواند. حتی مشرکان به تماشای نمازش می‌نشینند! بعضی‌ها هم دعوتش را پذیرفته و به حضرت ایمان می‌آوردند اما کسی معترض‌شان نیست. تا اینکه دعوتش را علنی می‌کند. جالب است هنگامی که قصد علنی کردن دعوت را دارد، با حاضران احتجاج می‌کند و می‌پرسد چقدر مرا قبول دارید؟ همه اعلام قبول می‌کنند. بعد می‌فرمایند: اگر بگویم پشت مکه لشکری آمده و آماده حمله به مکه است شما چه عکس‌العملی خواهید داشت؟ همه به اتفاق پاسخ می‌دهند لباس رزم می‌پوشیم و آماده می‌شویم چون به شما اطمینان داریم. حضرت پس از این احتجاج بود که فرمودند: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا».

هر چند این مجلس هم با دخالت یکی از نزدیکان پیامبر (ص)، بهم خورد! اما حضرت تبلیغ دینش را با استقرار در خانه ارقم، علنی کردند. نکته‌ای که ذکرش خالی از لطف نیست، معرفی مسلمانان اولیه است. وقتی پیامبر (ص) در روز بعثت به خانه آمد و فرمود احساس سرما و خستگی می‌کنم، خوابید و گلی می‌روی خودشان انداخت. مجدداً جبریل «یا ایها المذثر قم فانذر» را آورد. پیامبر به حاضران در منزل، بیان واقعیت فرمود. سه نفر فوراً مسلمان شدند. خدیجه (همسرش)، علی بن ابی طالب (نوجوانی که در خانه پیامبر زندگی می‌کرد) و زید (غلامی که در خانه حضرت بود. اگر نگاهی به

تفکر قبیله‌ای مردم مکه بیندازیم مشاهده خواهیم کرد که در قبیله این سه قشر نه تنها در آمار جمعیتی قبیله قرار ندارند! بلکه از هیچ امتیازی برخوردار نیستند. وقتی اسلام آمد نمایندگان سه قشر محروم (زن، کودک و نوجوان، غلامان و بردگان) مسلمان اولیه

داشتند، با شخصی که تا دیروز ایشان را امین و صادق می‌دانستند و هم اکنون هم امانت‌دار آنها است، انجام دادند.

این مخالفت‌ها و شکنجه‌ها و به شهادت رساندن یاران حضرت، زیر شکنجه و تحریم همه جانبه مسلمانان و تحمیل زندگی سخت بیش از دو سال در شعب ابی طالب و هزاران آزار و اذیت دیگر، که تاریخ از نقل آن شرم دارد، همه و همه یک دلیل داشت: این پیامبر (ص) منافع سرمایه‌سالاران را به خطر انداخته بود چون در منطق سرمایه‌سالاران مکه و سرمایه‌داران همه ادوار، هرکسی که به منافع آنها تعرض کند، بایستی از میان برداشته شود. گویا این تفکر به عنوان اصل در همه زمانها و در طول تاریخ جاری است! و هر سرمایه‌داری در گوشه جهان احساس کند، تفکری در گوشه دیگر جهان، به منافع آنان لطمه وارد می‌کند بایستی از میان برداشته شود! چه با شکنجه و ایجاد رعب و وحشت، چه با تحریم اقتصادی و اجتماعی، چه با جنگ‌های خانمان سوز! گویا تاریخ همیشه تکرار می‌شود.

سرمایه‌سالار مکه دیگر توان تحمل چنین پیامبری را نداشتند چرا که هرچه ایشان را قطعیم به مال و امکانات و تهدید به شکنجه و تحریم و سختی می‌کنند محکم ایستاده و عقب‌نشینی نمی‌کند. مکان مرتب بر فشارهای غیرقابل تحمل خود می‌افزودند تا اینکه خداوند فرجی حاصل کرد و روزنه‌ای امید در یثرب پدید آمد و پس از سه سال رفت و آمد بین مردم یثرب و پیامبر (ص) اسلام جایش را در یثرب باز کرد و مسلمانان به خانه‌ای امن دعوت شدند و مقدمات هجرت فراهم شد.

اگر در برابر این سوال قرار بگیریم که چرا پیامبر (ص) در شهر خودش موفق به معرفی و گسترش اسلام نشد و در شهر مدینه موفق شد!، می‌توان با مقایسه موقعیت اجتماعی مردم این دو شهر به این سوال پاسخ داد. مردم مکه با سرمایه‌سالارانی هستند که با بهره مندی از نیروهای کار مجانی و کم هزینه صرفاً به افزایش سرمایه خود می‌اندیشند و یا افرادی بودند که با تمام وجود در خدمت سرمایه‌سالاران هستند! وابستگی این دو گروه به یکدیگر تفکر و آزادی را از آنها سلب کرده بود چون عده‌ای برده سرمایه خود هستند و عده‌ای دیگر برده سرمایه‌سالار! به همین دلیل پیامبر (ص) در این مرحله در مکه

موفق نشد.

اما در یثرب، مردم برخلاف ساکنان مکه در خدمت و برده سرمایه نیستند. اینان از راه کشاورزی و دامداری و صنعت محدود آن زمان زندگی می‌گذراند و روی پای خود ایستاده‌اند و تفکر آنان بردگی سرمایه‌دار نیست. اما با یک مشکل مواجه‌اند؛ دو قبیله عرب هستند به نام «اوس» و «خزرج» با اختلافی دیرینه بالای صد سال. کسی نیست که دستايش به خون دیگری آغشته نباشد و بتواند مصفاهه بین دو قبیله جنگجو! صلح و آتش بس ایجاد کند. در این شهر اضافه بر ساکنان محلی، یهودیانی مستقر شدند که از روی عقیده و پیش‌بینی‌های تورات منتظر ظهور پیامبری هستند. از آنجا که تفکر یهودیان اقتصادی است، در جنگ‌های بین دو طایفه اوس و خزرج اینان با فروش محصولات کشاورزی غذای دو طرف را تامین می‌کردند و با فروش وسایل جنگی و به تعبیری اسلحه به دو طرف درگیری، برآتش این جنگ می‌افروختند تا به منافع بیشتری دست یابند.

در صورت اتفاق وقتی دو طرف مدت کوتاهی به جنگ خاتمه می‌دادند یا آتش بس موقتی اعلام می‌شد، دو طایفه به یهودیان حمله می‌کردند و منافع آنان را به خطر می‌انداختند. یهودیان که براساس عقیده به منطقه آمده بودند به عرب‌های مشرک می‌گفتند: پیامبری خواهد آمد و ما را نجات خواهد داد. تبلیغ انتظار ظهور پیامبر که از جانب یهودیان مطرح می‌شد، در ذهن مشرکان یثرب جای گرفت و اثر آن در اسلام آوردن این مردم دیده شد.

مردم یثرب در پیمانی که در عقبه «منی» در ایام حج سال ۱۳ بعثت با پیامبر (ص) بستند، قبول کردند تا پای جان در راه اهداف اسلام ایستادگی کنند و از حضرت و مسلمانان خواستند که در اولین فرصت به یثرب آمده و در کنار برادران خود به آسودگی زندگی کنند. آنها اعلام کردند ما به یاری مسلمانان می‌شتابیم. براساس این پیمان بود که پیامبر (ص) به مسلمانان تحت ستم مکان اجازه فرمودند به برادران ایمانی خود در شهر یثرب بپیوندند و مقدمات هجرت مسلمانان فراهم شد.

پیامبر نیز در شب اول ربیع الاول که به «اليله المبيت» مشهور است، پیامبر (ص) بوسیله جبرئیل مطلع شد که مشرکان قصد دارند شبانه به خانه‌اش حمله کنند. موضوع را با علی (ع) در میان گذاشت و حضرت علی (ع) پذیرفت در رختخواب حضرت بخوابد. با استقرار حضرت علی (ع) در جایگاه، پیامبر با قرائت آیات اولیه سوره «یس»، از میان مشرکان گذشت و در مسیر ابوبکر را دید و به همراه ایشان، به طرف غار «ثور» در جنوب مکه حرکت کرد و پس از دو یا سه روز اقامت در غار، از طریق بیراهه به طرف یثرب حرکت کرد.

پیامبر (ص) پس از چندین روز انتظار مهاجران و اهالی یثرب، روز دوشنبه ۱۲ ربیع الاول سال ۱۴ بعثت وارد محله «قبا» شد و مورد استقبال مردم یثرب قرار گرفت. مسلمانان که از شکنجه و فشار مکان نجات یافته بودند «مهاجر» لقب گرفتند و مردم یثرب که به یاری مسلمانان آمدند «انصار».

پیامبر سه روز در محله قبا (همین مکانی که مسجد قبا است) اقامت داشت و روز جمعه پس از گذشت چند محله و استقبال مردم، در قبیله بنی سالم اولین نماز جمعه را اقامه فرمودند و پس از نماز به مسیر ادامه دادند. ورود پیامبر به هر محله‌ای موجب خشنودی آن محله می‌شد و عدم توقف حضرت موجب ناراحتی.

پیامبر (ص) برای انتخاب محل اقامتش، مساله‌ای را مطرح فرمودند که برای همه بویژه سیاستمداران، درس بزرگی است. پیامبر (ص) از اختلاف قدیمی اوس و خزرج به خوبی مطلع است و می‌داند هر اقدامی که به نفع یک طرف دعوا شود، موجب ناراحتی و افزایش اختلاف طرف مقابل خواهد شد لذا در مسیری که همه علاقمند بودند پیامبر خدا (ص) مهمان آنان شود اگر حضرت میهمان اوسی‌ها می‌شد، خزرجی‌ها مدعی می‌شدند و بالعکس. در این فضای سخت و خوف از بهانه جویی‌ها، پیامبر (ص) پیشنهاد داد و همه اهالی یثرب اعم از اوسی و خزرجی پذیرفتند. پیشنهاد این بود که هر جا شتر پیامبر (ص) بر زمین نشست، آنجا محل اقامت پیامبر (ص) باشد.

بقیه در صفحه ۷



رضا اسماعیلی

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا: هَمَانَا خَدَاوَنَد وَ فَرَشْتَاگان بِر پیامبر درود می فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! شما نیز بر او درود فرستید و به او سلام کنید، سلامی همراه با تسلیم در برابر حق» (آیه ۵۶، سوره احزاب)

در روایات، احادیث و آموزه های دینی بر ذکر صلوات بر محمد و آل محمد (ص) بسیار تاکید شده است. از پیامبر اکرم پرسیدند: چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمود بگویند: «اللهم صل علی محمد و آل محمد». در محافل و مجالس مذهبی نیز شاعران و ذاکران اهل بیت - پیش و پس از خواندن مناقب و مرثی - شرکت کنندگان را به فرستادن صلوات بر محمد و آل محمد (ص) برای ثواب و استجابت دعا بسیار فرا می خوانند.

در شعر نبوی نیز که یکی از زیرشاخه های ارجمند ادبیات دینی و آیینی است، «صلواتیه» جایگاه شایسته ای دارد. شاعران مسلمان از دیرباز تاکنون - به قصد تبرک و تیمن - بخشی از دیوان اشعار خود را به صلواتیه اختصاص داده اند که بازخوانی دو نمونه صلواتیه از شاعران متقدم و معاصر خالی از لطف نیست:

گفتم که لب، گفت لبم آب حیات

گفتم دهند، گفت زهی حب نبات
گفتم سخن تو، گفت حافظ گفتا

شادی همه لطیفه گوینا صلوات
(حافظ)

تا داشته ام فقط تو را داشته ام

با یاد تو قد و قامت افراشته ام
بوی صلوات می دهد دستانم

از بس که گل محمدی کاشته ام
(سعید یابانکی)

اما با وجود کاربرد گسترده این ذکر معنوی، در مورد حقیقت و فضیلت صلوات و دایره و دامنه شمولیت آن - به جز استجابت دعا و گشایش در کارها - کمتر خواننده ایم و شنونده ایم. تصور عمومی بر این است که در ذکر معنوی صلوات ما فقط بر محمد و آل او - اهل بیت رسول خدا و امامان معصوم - سلام و درود می فرستیم که چنین برداشتی هر چند با متن آیات و روایات قرآنی و احادیث معصومین - آیه تطهیر و احادیث ثقلین و کساء - قابل انطباق است، ولی برداشت کاملی نیست. آنچه در مورد حقیقت صلوات تاکنون ناگفته مانده، تفسیر مبسوط و مشکوف فراز «آل محمد» است. این که برداشت ما از آل محمد چیست و گستره معنایی و مفهومی آن تا کجاست؟ اگر دایره مفهومی «آل» یا «اهل» را فقط به خویشان و بستگان نسبی و سببی پیامبر محصور و محدود کنیم، آن وقت در پاسخ این سوال در می مانیم که چرا رسول خدا در باره سلمان فارسی فرمودند: «سلمان منا اهل البیت؟ سلمان از اهل بیت ماست.»

پس آنچه که مسلم است، دایره مفهومی «آل محمد» بسیار گسترده تر و فراتر از همخوانی و خویشاوندی نسبی و سببی است، چرا که در



به مناسبت میلاد خجسته پیامبر اکرم (ص)

رونمایی از حقیقت صلوات

بعضی از آیات و روایات واژه «آل» یا «اهل» به معنای پیروان و رهروان نیز به کار رفته است. با در نظر گرفتن این معنا می توان گفت که آل محمد، قابل تعمیم به همه کسانی است که پیرو دین و آیین محمدی هستند. یعنی یکی دیگر از لایه های تفسیری این آیه با لحاظ این که پیامبر اکرم، پدر معنوی امت اسلامی است، «خویشاوندی اعتقادی و معنوی» است.

چنان که در روایتی از پیامبر (ص) آمده: «أنا وعلیُّ أبوا هذه الأمة» من و علی پدران این امت هستیم. (کمال الدین، ص ۲۶۱، ج ۷). این که پیامبر، پدر معنوی امت اسلامی است، اظهار من الشمس است، چرا که خداوند صریحاً در آیه ۴۰ سوره احزاب فرموده است: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ» محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست. این که پیامبران توحیدی پدران معنوی امت هستند، مورد تایید آیات قرآن است. همچنان که در آیه ۷۸ سوره حج، حضرت ابراهیم (ع) نیز پدر مسلمانان خوانده شده است:

«وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَأَ آبَائَكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لَبِئْسَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اغْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ.» (آیه ۷۸، سوره حج)

ترجمه: «در راه خداوند چنان که باید جهاد کنید او شما را برگزید و برایتان در دین هیچ تنگنایی پدید نیاورد. کیش پدرتان ابراهیم است. او پیش از این شما را مسلمان نامید تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر دیگر مردم گواه باشید. پس نماز بگزارید و زکات بدهید و به خدا توسل جویند. اوست مولای شما، چه مولایی نیکو و چه یاور نیکو.»

با این توسع معنایی، همه انبیا و اولیا الهی - از

آدم تا خاتم - در دایره شمول «آل محمد» قرار می گیرند. بنابراین وقتی ما در صلوات بر رسول خدا از عبارت آل محمد استفاده می کنیم، در واقع این عبارت به تمام انبیا و اولیاء الهی اشاره دارد که پیامبر اکرم، خاتم راه توحیدی آنهاست، و حضرت عیسی و موسی (ع) و همه انبیا الهی و همچنین حضرت مریم (س) نیز در ذیل سلسله نورانی «آل محمد» قرار می گیرند که احترام و تکریم آنان واجب است.

با عنایت به این دقیقه و برای حفظ حریم و حرمت حضرت خاتم الانبیا، من شاعر و ذاکر اهل بیت (علیهم السلام) باید در شعر دینی و آیینی، همان گونه که به معصومین و بزرگان مذهب شیعه احترام می گذارم، به مقدسات و بزرگان دینی سایر ادیان و مذاهب الهی نیز احترام بگذارم. چرا که بی حرمتی به ساحت پیامبران و انبیا الهی سایر ادیان، به نوعی اسائه ادب به ساحت مقدس پیامبر مکرّم اسلام است که شاعران آیینی اصیل باید از فرو افتادن در این دامچاله برحذر باشند.

مناسفانه معدودی از شاعران و ذاکران آیینی، به خاطر غفلت از این مهم، گاهی برای برکشیدن معصومین شیعه (علیهم السلام)، به فرو کشیدن و ریز دیدن پیامبران و اولیای الهی سایر ادیان می نشینند. مثلاً گاهی حضرت عیسی و حضرت موسی (ع) را غلام پیامبر (ص) و حضرت مریم (س) را کنیز حضرت زهرا (س) می نامند، که کار مقبول و مشروعی نیست. عالمان روشن اندیش دینی نیز همواره بر تکریم و تعظیم بزرگان سایر ادیان الهی تاکید دارند. مقام معظم رهبری نیز بارها در بیانات خویش صریحاً فرموده اند: «توهین به مقدسات سایر مذاهب، حرام شرعی است.»

حقیقت مغفول مانده دیگری که در متن و بطن این ذکر شریف پنهان است، این است که خداوند

به همه ایمان آوردندگان سفارش می کند که بر محمد و آل او صلوات بفرستند. یعنی سلام و درود بر همه کسانی که به رسالت رسول مکرّم اسلام ایمان آورده اند. زیرا با استناد به نص صریح آیه ۲۱ سوره احزاب، همه کسانی که به عنوان «اسوه حسنه» از راه و مرام پیامبر پیروی می کنند، جزو خویشاوندان اعتقادی پیامبرند و این سلام و صلوات شامل حال همه آنان می شود.

پس صلوات بر پیامبر (ص) و آل او، علاوه بر انبیا و اولیای الهی، شامل بندگان صالح خداوند و من و شما نیز - اگر صالح باشیم - می شود. چنان که امام صادق (ع) در حدیثی از رسول اکرم روایت کرده اند: «مَنْ صَلَّى عَلَى صَلِيٍّ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ مَلَائِكَتُهُ، وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَقُلْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَكُنْ» هر کسی که بر من صلوات فرستد، خداوند متعال و ملائکه بر او درود و رحمت می فرستند (پس) هر که می خواهد کم، و هر که می خواهد بسیار صلوات بفرستد.»

(اصول کافی ۲: ۴۹۲، وسائل الشیعه ۷: ۱۹۴، ریاض السالکین ۱: ۴۵۲، جامع احادیث الشیعه ۱۵: ۴۶۵)

به عبارتی دیگر، سلام و صلوات بر پیامبر و آل او، علاوه بر خویشاوندان نسبی پیامبر - که در آیه تطهیر و احادیث ثقلین و کساء به صراحت به نام مبارک آنان اشاره شده است - شامل حال امت پیامبر که به اعتبار تبعیت و پیروی عملی و خالصانه از آن حضرت در شمار خویشاوندان اعتقادی و معنوی حضرت خاتم الانبیا قرار می گیرند نیز می شود.

یعنی وقتی ما بر محمد و آل محمد صلوات می فرستیم، به اعتبار این که ما نیز امت پیامبریم و جز خویشاوندان اعتقادی آن رسول مکرّم محسوب می شویم، بر خودمان نیز سلام و درود می فرستیم. بنابراین، سلام و صلوات خدا و فرشتگان - علاوه بر پیامبر و اهل بیت نسبی ایشان - شامل حال ما نیز می شود. حتی شامل حال کسانی که ممکن است در شناسنامه و به اسم مسلمان نباشند، ولی به خاطر پذیرفتن حقیقت توحید و پیروی عملی از تعالیم نبوی، به صورت فطری اسلام را پذیرفته و ایمان آورده اند. چرا که مسلمانی پیش و بیش از آن که به ظاهر و صورت و اسم باشد، به باطن و سیرت و رسم است. چه بسا که من در اسم مسلمان باشم و در رسم نه!

متر و معیار خداوند نیز در فردای قیامت برای سنجش مسلمانی بندگان خویش، هرگز کارنامه و شناسنامه کاغذی آنان نیست، بلکه شناسنامه اعتقادی و معنوی آنان است.

چه بسا که در فردای قیامت، فردی به ظاهر کافر به مدد پیروی عملی از تعالیم توحیدی و سیره نبوی، از پل صراط بگذرد و من به ظاهر مسلمان که به نام «مسلمان» در شناسنامه کاغذی خود دلخوشم، به خاطر دور شدن از صراط مستقیم بندگی - با سرافکنندگی - در دوزخ ضلالت و گمراهی هبوط کنم!

واعظی پرسید از فرزند خویش

هیچ می دانی مسلمانی به چیست؟

صدق و بی آزاری و خدمت به خلق

هم عبادت، هم کلید زندگی است

گفت زین معیار اندر شهر ما

یک مسلمان است، آن هم ارمنی است!

منوره نامیدند.

حضرت در مدینه با تدوین پیمان نامه ای که به امضای همه بزرگان قبایل رساند، حکومتی را تشکیل داد که به عنوان اولین حکومت منطقه شناخته شد.

اقامت پیامبر (ص) در شهر مدینه ۱۰ سال طول کشید و تا پایان عمر براساس عهده ای که با مردم یثرب در عقبه بسته بود، در مدینه ماند و در زمان حیاتش تمامی سرزمین عربستان یا مسلمان شدند یا در ذمه اسلام زندگی مسالمت آمیزی داشتند.

شد. ابویوب طبقه بالای خانه را به پیامبر (ص) پیشنهاد کرد که حضرت فرمود چون رفت و آمد ما زیاد است، خانواده شما در طبقه بالا و ما در طبقه پایین اقامت خواهیم کرد.

پیامبر (ص) پس از استقرار در خانه ابویوب، فرمودند زمینی که شتر در آنجا ایستاد را برای ساخت مسجد در نظر بگیریم. این زمین متعلق به یتیمی بود که از قیم او خریداری شد و اولین بنای مسجد در این زمین نهاده شد. کار دیگر پیامبر (ص) تغییر نام یثرب بود. نام یثرب را به طیبه به معنای پاک تغییر داد و مردم، این شهر را به مدینه طیبه، مدینه الرسول و مدینه

بقیه از صفحه ۶

تصمیم محل اقامت توسط شتر؟! آری! برای اینکه هیچ بهانه ای برای مردم یثرب باقی نگذارد. با این روش، شتر با انتخاب خود میهمان هیچ کدام از طرف دعاوها نشد.

شتر که مسیر را در میان استقبال مردم یثرب ادامه می داد از «واحه» ای به «واحه» ای دیگر می رفت تا اینکه در مقابل منزل ابو ایوب انصاری نشست. بار دیگر شتر را بلند کرد و دوری زد دومرتبه در همان محل بر زمین نشست. پیامبر (ص) پیاده شد و به خانه ابویوب تشریف فرما

